

# نقد و بررسی الگوی تربیت منش لیکونابر اساس آراء علامه طباطبائی

دکتر محمد آرمند<sup>۱</sup>

دکتر محمود مهرمحمدی<sup>۲</sup>

چکیده

یکی از رویکردهای مهم تربیت اخلاقی، «تربیت منش» است که در آن روی ایجاد و پرورش جند ارزش اساسی تأکید می‌شود. در عصر حاضر عوامل گوناگونی از قبیل ضعیف شدن نش خانواده در تربیت، آسیب پذیری کودکان و نوجوانان به علل مختلف، توجه زیاد به فردگرایی، و نسبت گرانی و نقش مهم ارزش‌های اخلاقی در ترمیم آسیب‌های اجتماعی، موجب شده‌اند که در نظام‌های آموزشی، تربیت منش پیشتر از گذشته مورد توجه قرار گیرد. یکی از صاحب‌نظران این عرصه، توماس لیکونا است که الگوی جامعی را در تربیت منش ارائه کرده است. الگوی لیکونا دو سطح درون کلاسی و برون کلاسی دارد. او لیکونا در الگوی خود ۱۲ راهبرد برای دو سطح فوق ارائه کرده است. در این مقاله، ابتدا مبانی الگو شامل مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی از الگو استباط و ذکر شده و راهبردها، اهداف، اصول و روش‌های الگو بیان شده است. سپس به اختصار سرچ آرای علامه طباطبائی که یکی از اندیشمندان معاصر در عرصه‌ی تربیت اخلاقی به شمار می‌رود، آمده و این الگو با عنایت به دیدگاه علامه طباطبائی نقد و بررسی شده است.

**کلید واژه‌ها :** تربیت منش، الگوی تربیت منش، تربیت اخلاقی، رویکردهای تربیت اخلاقی.

دیدگاه علامه طباطبائی

۱. عضو هیأت علمی مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»

نشانی: جلال آن‌احمد، غرب بهشتی، بلوار امام، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تلفن: ۰۹۱۲۵۳۶۴۰

پست الکترونیکی : [m.armand@samtmail.com](mailto:m.armand@samtmail.com)

۲. استاد دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۷/۲۰

تاریخ آغاز بررسی و ارزیابی مقاله: ۸۶/۸/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۲/۵

3. Thomas Lickona

## مقدمه

یکی از رویکردهای تربیت اخلاقی، «تربیت منش» است که در آن روی ایجاد و پرورش چند ارزش اساسی تأکید می‌شود [رایان و بوهلین، ۱۹۹۹]. در عصر حاضر چند عامل اساسی موجب توجه بیشتر به تربیت منش در نظام‌های آموزشی شده است [لیکونا، ۱۹۹۳] :

۱- ضعیف شدن نقش خانواده در تربیت کودکان و نوجوانان بر اثر عواملی مانند طلاق و جداسدن والدین از یکدیگر. تعداد کودکانی که در خانواده‌های تک والدی زندگی می‌کنند رو به افزایش است همین‌طور افزایش طلاق باعث شده است، خانواده‌ها توانند به نحو احسن به تربیت اخلاقی فرزندان بپردازنند.

۲- آسیب‌پذیری بیشتر کودکان و نوجوانان به علت زیاد شدن شکاف نسل‌ها، افزایش فاصله بین خواسته‌های کودکان و نوجوانان و والدین، و تأثیر پذیری کمتر کودکان و نوجوانان از والدین نسبت به گذشته.

۳- اهمیت و نقش مهم ارزش‌های اخلاقی در ترمیم آسیب‌های اجتماعی و جلوگیری از انواع انحرافات اخلاقی.

۴- توجه بسیار زیاد به فردگرایی و نسبیت‌گرایی.

این عوامل سبب شده‌اند، ضرورت پرداختن به تربیت منش در نظام‌های رسمی آموزشی بیش از هر زمان دیگر احساس شود. به علاوه در تعلیم و تربیت، روی برخی جنبه‌های روانی انسان مثل خلاقیت، هوش و ... بسیار تأکید دارند و به بعد انسانی افراد که در تربیت منش بدان پرداخته می‌شود، کمتر توجه می‌کنند و ضروری است این موضوع بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

تربیت منش در میان سایر رویکردهای مهم تربیت اخلاقی (رویکرد رشدی - شناختی و رویکرد تبیین یا (شفاف‌سازی) ارزش‌ها) قدمت زیادی دارد. این نوع تربیت از گذشته‌ی دور مورد توجه صاحب‌نظران و متفکران بوده است. سقراط از جمله کسانی است که در این باره اظهار نظر کرده است [نقیب‌زاده، ۱۳۸۱] بعد از سقراط، افلاطون، ارسطو، حکماء مسلمان و سایر اندیشمندان درباره‌ی آن اظهار نظر کرده‌اند. در دوره‌ی معاصر این رویکرد بیشتر مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است و اغلب آن‌ها الگویی در این زمینه ارائه کرده‌اند. توماس لیکونا نیز یکی از صاحب‌نظران این عرصه که الگویی ارائه کرده که در این مقاله براساس دیدگاه علامه طباطبائی، به عنوان یکی از متفکران مسلمان در عرصه تربیت اخلاقی، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

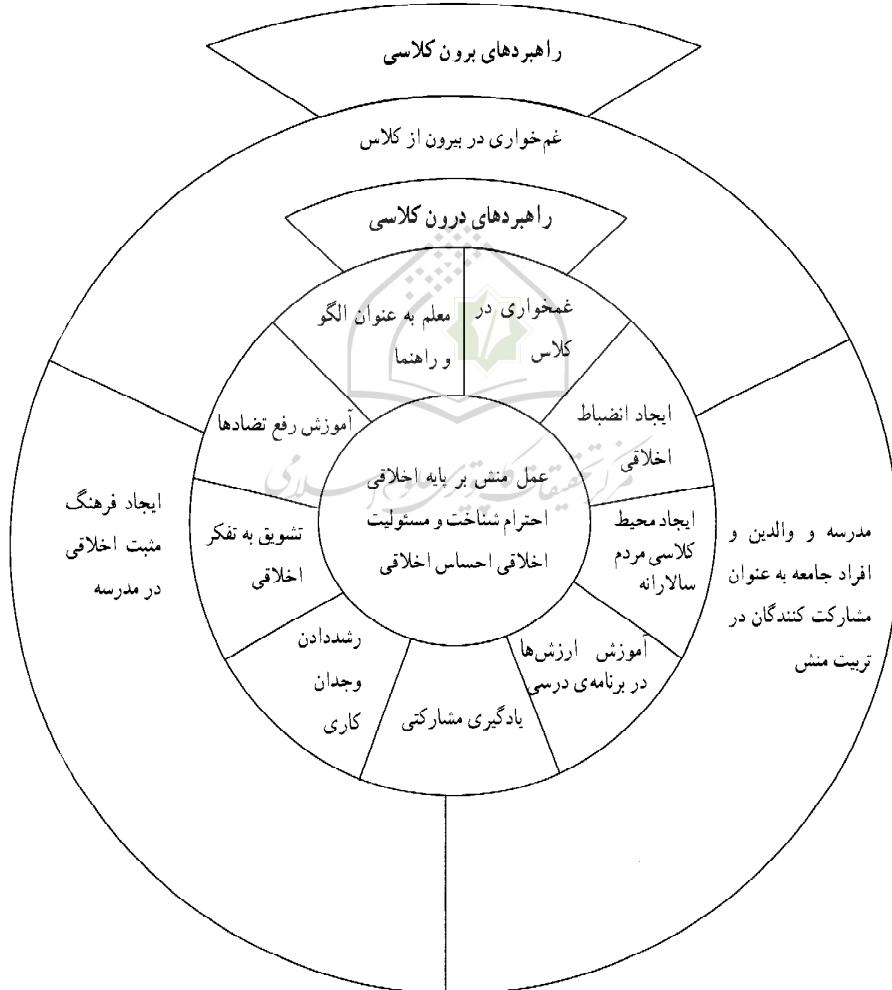
لیکونا در الگوی خود، ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری را در تربیت منش مورد توجه قرار داده

و عوامل مؤثر در تربیت منش را در دو سطح : درون کلاس، محیط مدرسه و جامعه مطرح کرده است. او راهبردها و شیوه‌های اجرایی و مثال‌های گوناگونی در الگوی خود ارائه کرده است که به اعتقاد بخشی، الگوی او از جامعیت بیشتری برخوردار است [پلچر ۲۰۰۳].

## الگوی تربیت منش لیکونا

این الگو دارای ۱۲ «راهبرد»<sup>۱</sup> در دو سطح است.

### الگوی تربیت منش لیکونا



۱. Strategies

همان گونه که در نمودار ملاحظه می‌شود، لیکنوا در الگوی خود دو سطح را در تربیت منش مشخص کرده است که سطح درون کلاس و سطح بیرون از کلاس را شامل می‌شود.

طبق این الگو، تربیت منش منحصراً در کلاس درس صورت نمی‌گیرد، بلکه بیرون از کلاس و درون مدرسه را نیز شامل می‌شود. لیکناعقیده دارد: زمانی برنامه‌های تربیت منش تأثیر می‌گذارد که در آن والدین و نهادهای گوناگون اجتماعی نیز در آن همکاری کنند. به تعییر او، در مدرسه باید فرهنگ مثبت اخلاقی حاکم باشد و علاوه بر معلم، سایر کارکنان مدرسه نیز در تربیت منش نقش خود را به نحو احسن ایفا کنند.

لیکنوا در الگوی خود برای هر دو سطح فوق، راهبردهایی را به شرح زیر پیش‌بینی کرده که نه راهبرد مربوط به درون کلاس و نه راهبرد مربوط به بیرون کلاس است:

### (الف) راهبردهای درون کلاسی

۱- معلم به عنوان حمایت کننده، الگوی اخلاقی و مربی: معلم خود باید به دانشآموزان احترام بگذارد و آن‌ها را دوست داشته باشد. آنان را به انجام کارهای خوب اخلاقی تشویق کند و کارهای ناصحیح آن‌ها را اصلاح سازد.

لیکنوا باری این مورد چنین راهبردهای را پیشنهاد کرده است:

«غم‌خواری»<sup>۱</sup> به دانشآموزان و کمک به آن‌ها برای کسب موفقیت در امر تحصیل؛ ایجاد اعتماد به نفس در آنان؛ ایجاد احساس ارزشمندی و قادر ساختن آنان به ارزش قائل شدن برای امور اخلاقی و انجام فعالیت‌های اخلاقی؛ ایفای نقش به عنوان الگو در درون و بیرون از کلاس و نشان دادن الگوهای اخلاقی به دانشآموزان؛ ایفای نقش به عنوان مرشد و مربی. معلمان با بیان مستقیم و غیر مستقیم مفاهیم اخلاقی و توضیح دادن آن‌ها، راهنمایی‌های خود و بیان داستان و قصه، و تشویق دانشآموزان به انجام کارهای مثبت، می‌توانند نقش خود را ایفا کنند.

۲- تبدیل کلاس درس به یک اجتماع غم‌خواری<sup>۲</sup>: دانشآموزان به حمایت بزرگ‌سالان نیازمندند و دوست دارند به عنوان عضوی از یک گروه پذیرفته شوند و مورد تأیید قرار گیرند. فرهنگ حاکم بر گروه، همانند یک معلم اخلاقی قدرتمند روی رفتار دانشآموزان تأثیر می‌گذارد. اگر معلم به شکل گیری فرهنگ اخلاقی خوب و مثبت در گروه کمک نکند در این فرهنگ

۱. در زبان فارسی معادل‌های متقابلوی برای caring به کار رفته‌اند از جمله مراقبت، مهورزی و غم‌خواری، در این مقاله غم‌خواری معادل مناسبی تشخیص داده شده و معادل این واژه آورده شده است.

2. Caring classroom community

گروهی ممکن است رفتارهای ناصحیح به صورت هنجار اخلاقی شکل گیرد و بر رفتار دانش‌آموزان تأثیرات منفی بگذارد.

وقتی دانش‌آموزان به عنوان عضوی از یک گروه، در کلاس فعالیت می‌کنند، بسیاری از مسائل اخلاقی را در درون گروه یاد می‌گیرند. هم به یکدیگر احترام می‌گذارند و هم مورد احترام قرار می‌گیرند. و به تدریج این حالت به صورت عادت رفتاری، جزئی از مشن آنان می‌شود.

لیکونا بری تحقق اهداف فوق پیشنهاد می‌کند، معلم به دانش‌آموزان کمک کند تا: دیگران را همانند خود بدانند؛ به هم احترام بگذارند و مهر بورزنده و از بدرفتاری با یکدیگر خودداری ورزند؛ به عنوان عضو گروه احساس ارزشمندی کنند؛ در مقابل اعضای گروه احساس مسئولیت داشته باشند؛ و در حل مشکلات، اعضای گروه را یاری کنند.

**۳- ایجاد انصباط اخلاقی :** تکیه بر قواعد و تایع منطقی امور، موجب رشد استدلال اخلاقی می‌شود و در ایجاد انصباط اخلاقی مؤثر است. انصباط باید به عنوان ابزاری برای رشد اخلاقی و کمک به دانش‌آموزان برای رشد کنترل خویش مورد استفاده قرار گیرد. آگاه کردن دانش‌آموزان از تایع عدم رعایت قوانین، می‌تواند به رشد منش آنان کمک کند، همچنین، آگاه کردن آنان از ضرورت اطاعت از قواعد و قوانین می‌تواند موجب افزایش نگرش مثبت نسبت به مسائل اخلاقی در آنان شود.

**۴- ایجاد محیط مردم سالارانه<sup>۱</sup> در کلاس :** تشکیل نشست‌های گوناگون کلاسی برای درگیر کردن دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد احساس مسئولیت در آن‌ها در این زمینه بسیار مفید است.

از نظر لیکونا، ایجاد محیط کلاسی مردم سالارانه بدین معنی است که دانش‌آموزان درگیر قواعد شوند و به بهترین راه در انجام امور بی‌برند، در تصمیم‌گیری مشارکت کنند و در ایجاد محیط کلاس به عنوان فضایی مناسب برای یادگیری و پیشرفت، احساس مسئولیت داشته باشند.

محیط کلاسی مردم سالارانه از این جهت به رشد منش کمک می‌کند که دانش‌آموزان به طور مداوم درباره‌ی امور ارزشمند فکر می‌کنند و به آن چه مورد نیاز گروه، است بی‌می‌برند. همین طور دانش‌آموزان از طریق بحث و ارتباط رو در رو بیشتر می‌توانند به حل مسائل بپردازند. از این طریق دانش‌آموزان آمادگی زندگی اخلاقی در محیط بیرون از مدرسه (جامعه) را کسب می‌کنند.

**۵- آموزش همه جانبه‌ی ارزش‌ها در برنامه‌ی درسی :** با استفاده از مطالب مختلف آموزشی غنی می‌توان به آموزش ارزش‌ها پرداخت، تربیت منش یک موضوع معجزا و مستقل نیست، بلکه در درون موضوعات مختلف در برنامه‌ی درسی می‌توان به آن پرداخت.

اخلاق مهم‌ترین هدف برنامه‌ی درسی است. از طریق برنامه‌ی درسی می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد تا درباره‌ی مفاهیم و برسن‌های بنیادی بیندیشند؛ برسن‌های ازقبلی این که : ما چگونه باید زندگی کنیم و چه اهداف ارزشمندی را باید دنبال کنیم؟ چه کیفیت‌هایی در زندگی انسان مورد پسند است که ارزش پرداختن بدان‌ها وجود دارد؟ چه چیزهایی موجب کمال آدمی می‌شوند؟

**۶- یادگیری مشارکتی<sup>۱</sup> :** یادگیری مشارکتی، در حقیقت تربیت دانش‌آموزان برای کسب توانایی در کار کردن باهم و قدردانی از همدیگر است. نوع فرایند آموزش در تربیت منش بسیار مهم است و یادگیری مشارکتی در فرایند تربیت منش نقش بسیار مؤثری دارد، زیرا موجب می‌شود دانش‌آموزان در عمل، قواعد متفاوت را به کار گیرند و ضمن یادگیری مطالب درسی به کسب فضائل نیز پردازند. یادگیری مشارکتی موجب می‌شود مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری در دانش‌آموزان تقویت شود و راحت‌تر بتوانند به عقاید یکدیگر، حتی اگر متفاوت با نظر خودشان باشد، احترام بگذارند. همین طور موجب می‌شود با همکاری هم موانع پیش روی خود را از میان بردارند.

**۷- رشد دادن و جدان کاری :** رشد و جدان کاری، رشد احساس مسئولیت درباره‌ی وضع تحصیلی، و عادت به خوب انجام دادن امور در دانش‌آموزان را شامل می‌شود.

یکی از شیوه‌هایی که منش ما، زندگی دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و جدان کاری یا کیفیت انجام کارهاست. وقتی ما کار خود را به نحو احسن انجام دهیم، دیگران نیز از نتیجه‌ی کار ما بهتر بهره‌مند می‌شوند، ولی اگر به درستی انجام ندهیم دیگران نیز متضرر می‌گردند. نحوه‌ی انجام کارهای تحصیلی توسط دانش‌آموزان این امکان را فراهم می‌کند که سایر کارهای خود را نیز در تمامی امور زندگی به درستی انجام دهند. به طور خلاصه باید گفت که از تجارت مدرسه آثار اخلاقی فراوانی به دست می‌آید.

**۸- تشویق به تفکر اخلاقی :** تشویق به تفکر اخلاقی شامل رشد در جنبه‌ی شناختی منش می‌شود که از طریق خواندن، تحقیق، نوشتمن و بحث صورت می‌گیرد.

تشویق به تفکر اخلاقی بدین معنی است که به دانش‌آموزان کمک شود تا در جنبه‌ی شناختی منش رشد کنند. کسب آگاهی اخلاقی، فهمیدن امور با فضیلت و به کار بردن آن‌ها در وضعیت‌های

1. Cooperative learning

واقعی، توانایی استدلال اخلاقی و تشخیص چیزهای خوب و بد، در رشد اخلاقی باید مورد توجه قرار گیرند.

**۹- آموزش رفع تضادها<sup>۱</sup>**: آموزش رفع تضادها شامل یاد دادن رفع منصفانه تضادها بدون کشمکش و خشنوت به داشت آموزان است.

آموزش مهارت‌های رفع تضادها به داشت آموزان در ایجاد یک اجتماع اخلاقی کلاسی، بسیار مؤثر است و بدون این مهارت، داشت آموزان در روابط بین فردی در مراحل بعدی زندگی نیز دچار مشکل می‌شوند. مهارت‌های رفع تضادها عبارت‌اند از: خوب گوش دادن، بیان صریح اندیشه و احساس، توافق دو طرفه بر اساس نیازهای متقابل که جنبه‌ی مهمی از منش را تشکیل می‌دهند.

#### (ب) راهبردهای برون کلاسی

در الگوی لیکونا، سه راهبرد بعدی مربوط به محیط بیرون از کلاس هستند و شامل موارد زیر می‌شوند:

**۱۰- غم‌خواری در بیرون از کلاس**: غم‌خواری در بیرون از کلاس، شامل فراهم کردن زمینه برای رفتارهای نوع دوستانه در مدرسه و سازمان‌های اجتماعی را می‌شود. در تربیت منش، باید غم‌خواری به داشت آموزان در کلاس، به فضای بزرگ‌تر و وسیع‌تر تعمیم یابد.

دانش آموزان باید از این موضوع آگاه شوند که در هر صورت، به هم نیاز دارند و باید با کمال رضایت به یکدیگر کمک کنند. مهارت‌ها و عادت کمک کردن به دیگران را در مدرسه، خانواده و محیط اجتماعی بیاموزند و این امکان فراهم آید که داشت آموزان تجربه‌ی کمک به یکدیگر را کسب کنند.

**۱۱- ایجاد فرهنگ مثبت اخلاقی در مدرسه**: برای ایجاد فرهنگ مثبت اخلاقی، محیط مدرسه باید به گونه‌ای شود که فضائل اخلاقی در آن رشد کند.

مدرسه محلی است که در آن فرهنگ اخلاقی حاکم است. بدین معنی که در آن رفتارهای بین افراد جنبه‌ی فرهنگی دارد و مجموعه‌ای از ارزش‌ها مورد توجه افراد مدرسه است. ارزش‌های موردن توجه بین اعضای مدرسه به عنوان هنجار، برای همه مهم تلقی می‌شود و از همه افراد انتظار می‌رود به آن‌ها پای بند باشند.

فرهنگ مدرسه تأثیر بسیار زیادی در رفتار داشت آموزان دارد. اگر این فرهنگ مثبت باشد موجب رفتارهای مثبت و اگر منفی باشد موجب رفتارهای منفی می‌شود.

۱. Teaching conflict resolution

۱۲- مدرسه و والدین و جامعه به عنوان مشارکت‌کنندگان در تربیت منش : باید این امکان برای والدین فراهم شود که بتوانند در برنامه‌های مدرسه در زمینه‌ی تربیت منش مشارکت کنند، باید به آنان کمک شود تا نقش خود را در ایجاد منش خوب در دانشآموزان به نحو احسن ایفا کنند. از نظر اهمیت، والدین برای دانشآموزان در درجه‌ی اول و معلمان در درجه‌ی بعدی قرار دارند (البته نقش والدین در دوره‌ی ابتدایی مهم‌تر از متوسطه است). بنابراین مدرسه باید از این موقعیت و نقش والدین به نحو احسن استفاده بکریم. والدین نیز متفاپلًا باید مدرسه را در آموزش ارزش‌ها و ایجاد منش مثبت، یاری کنند. مشارکت اعضای جامعه باید فراتر از خانواده باشد و سازمان‌های گوناگون، رسانه‌ها و سایر نهادهای اجتماعی را نبز شامل شود.

### مبانی تربیت منش

#### (الف) مبانی هستی‌شناسی

در تربیت منش در بعد هستی‌شناسی، جهان آخرت مورد توجه قرار ندارد. و سعادت در زندگی دنیوی مورد توجه است. اگرچه آخرت و معاد انکار نمی‌شود ولی دین و سعادت اخروی در تربیت منش مورد تأکید نیست و جزء اهداف تربیت منش ذکر نمی‌شود.

#### (ب) مبانی انسان‌شناسی

در تربیت منش، نوع نگاه به انسان محدود است و سعادت انسان در این جهان مورد تأکید قرار دارد. هدف اساسی در تربیت منش، کسب قابلیت‌هایی برای زندگی بهتر در جامعه و ایفای نقش به عنوان شهروندی شایسته است؛ به گونه‌ای که فرد با دارا بودن ویژگی‌هایی خاصی بتواند زندگی راحتی داشته باشد و با دیگران زندگی مسالمت‌آمیزی را بگذراند.

بنابراین، در تربیت منش دستورات دینی مورد تأکید نیستند. انگیزه‌ی فرد از انجام امور اخلاقی، رضایت خداوند یا کسب پاداش اخروی نیست، بلکه سعادت دنیوی، انگیزه‌ی اصلی را تشکیل می‌دهد.

#### (ج) مبانی معرفت‌شناسی

در تربیت منش، از میان ابزارها و منابع، کسب معرفت حسن و عقل مورد تأکید است و وحی که دریافت آن توسط پیامبر (ص) و معصومین (ع) صورت می‌گیرد و شامل دستورات الهی می‌شود، مورد توجه نیست.

## (د) مبانی ارزش‌شناسی

### الف) وجود ارزش‌های ثابت اخلاقی

در تربیت منش، چند ارزش اخلاقی از قبیل غم‌خواری صداقت و راستی<sup>۱</sup> شجاعت و دلیری<sup>۲</sup> مهربانی<sup>۳</sup> احساس مسئولیت<sup>۴</sup> احترام کردن که برای فرد و جامعه ارزشمند هستند مورد توجه قرار دارند و این ارزش‌ها برای همه‌ی افراد با ارزش تلقی می‌شوند.

بنابراین در تربیت منش، نسبی گرایی اخلاقی مورد توجه نیست، بلکه مطلق گرایی در ارزش‌ها مورد تأکید است.

همان‌گونه که در مبحث مطلق یا نسبی بودن ارزش‌های اخلاقی توضیح داده شده است، وجود ارزش‌های متغیر وابسته به موقعیت نیز انکار نمی‌شوند و این با نسبیت گرایی متفاوت است.

در تربیت منش، ارزش‌های مورد نظر مبنای وحیانی ندارند بلکه مبنای سکولار دارند. اگرچه این ارزش‌ها جزو ارزش‌های دینی مانند شمار می‌روند، ولی در تربیت منش هدف دینی برای آن‌ها در نظر گرفته نشده است.

### ب) وجود سلسله مراتب در ارزش‌ها

در تربیت منش از میان ارزش‌های گوناگون، هفت ارزش مهم فوق مورد تأکید قرار می‌گیرند، و از میان این هفت ارزش نیز، ارزش‌های احترام کردن و احساس و مسئولیت در رأس ارزش‌های دیگر قرار می‌گیرد. بدین ترتیب در تربیت منش سلسله مراتبی از ارزش‌ها وجود دارد.

لیکونا در الگوی خود، احترام احساس و مسئولیت را محور خود قرار داده است.

### پ) اهداف تربیت منش

هدف‌های اساسی در تربیت منش، ایجاد «منش خوب» در افراد است. از طریق ایجاد و تقویت این ویژگی‌ها، انسان راحت‌تر می‌تواند در جامعه با انسان‌های دیگر زندگی کند. بنابراین هدف اساسی در تربیت منش، ایجاد و پرورش خصوصیاتی است که با دارا بودن آن‌ها، انسان می‌تواند فرد مفیدی برای خود و جامعه باشد. هم چنین با دارا بودن این خصوصیات شهروند خوبی خواهد بود.

1. Honesty
2. Courage
3. Kindness
4. Responsibility

## اصول تربیت منش

لیکونا (۱۹۹۶) در الگوی خود ۱۱ «اصل» اساسی را در تربیت منش مطرح کرده که شامل موارد زیر است:

**۱- ترویج ارزش‌های اساسی به عنوان اساس تربیت منش :** در تربیت منش، ارزش‌های اساسی از قبیل غم‌خواری، راستی و صداقت، زیبایی دوستی، احساس مسئولیت و احترام به خود و دیگران مورد توجه است و این‌ها اساس منش خوب را تشکیل می‌دهند و در تمام برنامه‌های مدرسه در روابط بین افراد و در جشن‌ها و مراسم متفاوت، این ارزش‌ها باید مورد توجه باشند، و به عنوان موضوعات الزامی در برنامه تلقی شوند. میزان توفيق در تربیت منش به میزان توجه به این ارزش‌های اساسی بستگی دارد. این ارزش‌های اساسی باید تحت تأثیر تفاوت‌های قومی و فرهنگی باشند.

**۲- متشکل بودن منش از شامل تفکر، احساس و رفتار :** منش خوب باید شامل دانستن ارزش‌های اساسی، گرایش مثبت به آن‌ها و رفتار طبق آن‌ها باشد. تربیت منش در نگاه جامع، هم شامل جنبه‌ی شناختی است، هم جنبه‌ی عاطفی و هم جنبه‌ی رفتاری.

دانش‌آموzan از طریق مطالعه، بحث و حل مسائل، و مشاهده نگوهای رفتاری، نسبت به ارزش‌های اساسی شناخت پیدا می‌کنند. آن‌ها از طریق شنیدن داستان‌های الهام بخش، رفتارهای مهور زانه و بیان تجارب زندگی، نسبت به ارزش‌های اساسی نگرش مثبت پیدا می‌کنند و با عمل به آن‌ها و تکرار عمل، در بعد عملی تقویت می‌شوند.

**۳- استفاده از همه‌ی ظرفیت‌ها و امکانات در تربیت منش :** در تربیت منش باید از همه‌ی ظرفیت‌ها و امکانات و انواع برنامه‌ها استفاده کرد؛ از جمله از: برنامه‌ی درسی پنهان<sup>۱</sup> مانند آداب و رسوم، نحوه‌ی رفتار معلمان و روابط معلمان و مدیران و کارکنان مدرسه، نحوه‌ی برخورد با تفاوت‌های فردی و نحوه‌ی ارزیابی آموخته‌ها و سیاست‌های انطباطی، و برنامه‌ی درسی آکادمیک<sup>۲</sup> شامل موضوعات اساسی، و فعالیت‌های فوق برنامه شامل تیم‌های ورزشی، با نگاه و طرح‌های خدماتی. بنابراین، برنامه‌های خاص تربیت منش به تنها بی کافی نیست، بلکه با نگاه جامع به برنامه‌ها باید از تمام امکانات و ظرفیت‌ها استفاده کرد.

**۴- ایجاد محیطی صمیمی در مدرسه :** محیط مدرسه همانند یک جامعه‌ی کوچک باید محیطی باشد که افراد آن بهم مهر بورزنده و رفتار صمیمانه‌ای بین دانش‌آموزان با یکدیگر و بین

1. hidden Curriculum

2. Academic curriculum

دانشآموزان و کارکنان مدرسه و بین کارکنان با یکدیگر و همین طور بین کارکنان و والدین باید وجود داشته باشد. این روابط صمیمانه موجب افزایش یادگیری و همین طور موجب تربیت افراد شایسته می‌شود. در چنین محیطی، دانشآموزان احساس امنیت می‌کنند و نیازهایشان بهتر برآورده می‌شود. هم‌چنین، اگر احترام متقابل بین کارکنان و والدین وجود داشته باشد بهتر می‌توانند فضای مناسبی را برای ارتقای ارزش‌ها در دانشآموزان به وجود آورند. اگر غم‌خواری در تمامی برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه حاکم باشد، فضای مناسب برای ارتقای ارزش‌ها فراهم می‌آید.

**۵- ایجاد فرصت برای عمل اخلاقی در دانشآموزان :** دانشآموزان با انجام و از طرق عمل، مسائل اخلاقی را بهتر یاد می‌گیرند. برای تربیت منش باید فرصت‌هایی برای دانشآموزان ایجاد کرد تا ارزش‌های اخلاقی را در عمل و در زندگی روزانه و در فعالیت‌های متفاوت به کار ببرند. مثلاً در نحوه‌ی تقسیم افراد در گروه‌ها و در فعالیت‌های یادگیری مشارکتی، چگونگی رسیدن به توافق در جلسات کلاسی و چگونگی رفع تنش در زمین بازی، دانشآموزان می‌توانند ارزش‌های اخلاقی را به کار بندند. با تکرار عمل، مهارت دانشآموزان در عمل به ارزش‌های اخلاقی افزایش می‌یابد.

**۶- احترام به تمامی فرآگیرندگان و کمک به آنان در کسب موفقیت :** وقتی دانشآموزان در فعالیت‌ها و برنامه‌های خود در مدرسه موفق می‌شوند، بیشتر احساس شایستگی و استقلال می‌کنند و آمادگی بیشتری برای پذیرش اصول اخلاقی خواهند داشت.

دانشآموزان دارای علاقه‌ها، استعدادها و نیازهای متفاوت هستند، برنامه‌ی درسی آکادمیک باید به گونه‌ای باشد که نیازهای افراد را تأمین کند. و محتوا و روش‌ها نیز باید بگونه باشد که همه‌ی افراد برای یادگیری بکوشند. زمانی برنامه‌ی درسی می‌تواند نیاز دانشآموزان را تأمین کند که آنان در جریان آموزش فعال باشند و از روش‌های یادگیری مشارکتی، حل مسئله و پژوهه مبتنی بر تجربه استفاده شود.

این شیوه‌ها موجب افزایش حس استقلال و افزایش علاقه و تفکر خلاق در دانشآموزان می‌شوند تا آن‌ها بهتر بتوانند در امور متفاوت مختلف تصمیم بگیرند. مریبان کارآمد سعی می‌کنند بین برنامه‌ی درسی آکادمیک و ویژگی‌های منشی که به دنبال پرورش آنان در دانشآموزان هستند، هماهنگی ایجاد کنند و در موضوعات گوناگون مانند ادبیات، تاریخ و علوم این موضوع را بی بگیرند.

**۷- کوشش در پرورش انگیزه درونی در دانشآموزان :** باید این انگیزه در دانشآموزان پرورش باید که بدون ترس از قانون یا بدون انتظار تشویق یا پاداش، به انجام کارهای خوب مبادرت ورزند و کارهای خوب را از آن جهت که خوب‌اند، انجام دهند. یا اعتقاد درونی پیدا کنند که احترام

به دیگران خوب است و با رضایت درونی به دیگران احترام کنند. رشد انگیزه‌ی درونی از امور بسیار مهمی است که کمتر در مدارس مورد توجه قرار می‌گیرد و بیشتر روی انگیزش بیرونی تأکید می‌شوند.

در مدارس می‌توان با آگاه کردن افراد از قوانین و نقش و تأثیر آن‌ها بر دیگران و همین‌طور پرورش مهارت‌های متفاوت، به تربیت منش اهتمام ورزید و با ایجاد فرصت‌های مناسب، از زمینه‌ی تفکر و حل مسئله به دانش‌آموزان کمک کرد.

**۸- توجه به نقش و مسئولیت همه‌ی افراد مدرسه در تربیت منش :** کلیه کارکنان مدرسه شامل مدیر، ناظم، معلمان، مشاوران، روان‌شناسان آموزشگاهی، دفتر داران، مریبان ورزش و... همه در تربیت منش نقش دارند. اهمیت مسئولیت آنان از این جهت است که رفخار آنان به عنوان الگو مورد توجه قرار دارد. به علاوه، به ارزش‌هایی که در مدرسه دانش‌آموزان به آن‌ها پای‌بندند، آنان نیز به عنوان بزرگ‌سان باید پای‌بند باشند و در تصمیم‌گیری‌های با دانش‌آموزان مشارکت داشته باشند. آنان نیز همانند دانش‌آموزان، با مشارکت در فعالیت‌ها، می‌توانند بیشتر مفید واقع شوند. هم‌چنین، با تفکر در مسائل اخلاقی می‌توانند به حل مسائل اخلاقی کمک کنند. مثلاً می‌توانند این سوالات را مطرح کنند که :

- چه تجربی برای دانش‌آموزان در تربیت منش ارزشمند هستند؟
- کدام تجرب در دانش‌آموزان نقش و تأثیر منفی دارند؟ مثلاً بی‌احترامی، تقلب، بی‌رحمی

و...

- از چه شیوه‌هایی باید بیشتر استفاده کرد؟ مانند یادگیری مشارکتی و....

- کدام ارزش‌های اساسی باید بیشتر در مدرسه مورد توجه قرار گیرند؟

تفکر درباره‌ی این موارد مهم می‌تواند موجب توسعه‌ی اخلاق در مدرسه شود.

**۹- ضرورت حمایت از برنامه‌های تربیت منش توسط مدیر دانش‌آموزان رهبرآموزشی :** مدارس برای تربیت منش مؤثر نیاز به مدیران و رهبران آموزشی کارآمد دارند که این رهبران آموزشی فعالیت‌های گوناگون توسط کارکنان مدرسه را جهت می‌دهند و همان‌گونه می‌نمایند و اغلب کمیته‌هایی در مدارس با مشارکت والدین و مریبان تشکیل می‌گردد که حمایت از آن‌ها توسط رهبر آموزشی صورت می‌گیرد. و طراحی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های مختلف توسط رهبر آموزشی صورت می‌گیرد. از سوی هدایت و راهنمایی دانش‌آموزان در زمینه‌ها و فعالیت‌های مختلف توسط آنان انجام می‌گیرد.

۱۰- ضرورت مشارکت والدین و افراد جامعه در برنامه‌های تربیت منش : استفاده از همکاری و مشارکت والدین در تربیت منش موجب موفقیت بیشتر دانشآموزان می‌گردد، در مدرسه سعی می‌شود به طرق مختلف با والدین ارتباط برقرار شود و از طریق خبرنامه، برگزاری جلسه برای والدین درباره‌ی اهداف و برنامه‌های تربیت منش با آنان مذاکره می‌شود برای ارتباط مؤثر والدین و مدرسه والدین می‌توانند در کمیته تربیت منش عضو شوند و هم‌چنین مدارس می‌توانند برای مشارکت برخی والدین که کمیته تربیت منش نیستند گروه‌های ویژه‌ای تشکیل دهند. هم‌چنین می‌توان از همکاری سایر گروه‌های بزرگ‌تر استفاده کرد گروه‌هایی از قبیل سازمان‌های جوانان، نهادهای مذهبی و رسانه‌های گروهی.

۱۱- توجه به عملکرد کارکنان مدرسه و رفتارهای دانشآموزان بطور وسیع در ارزشیابی تربیت منش : در تربیت منش باید میزان پیشرفت ارزیابی گردد، سه نوع نتیجه را باید مورد ارزیابی قرار داد :

#### الف) محیط مدرسه

آیا مدرسه به عنوان یک جامعه کوچک محیط مناسبی برای تربیت منش می‌باشد؟ این ارزیابی را می‌توان از طریق نظر خواهی از دانشآموزان انجام داد و از آنان سؤال کرد که آیا در مدرسه مورد احترام و محبت قرار می‌گیرند یا خیر

#### ب) رشد کارکنان مدرسه به عنوان مربيان تربیت منش

مدیران و معلمان و سایر کارکنان چه میزان آگاهی‌های خود را برای توسعه فعالیت‌های تربیت منش افزایش می‌دهند برای بهبود تربیت منش به چه فعالیت‌هایی می‌پردازند و چه مهارت‌هایی را کسب می‌کنند

#### ج) رشد منش در دانشآموزان

دانشآموزان چه میزان طبق ارزش‌های اساسی رفتار می‌کنند و رفتارهای غیر اخلاقی چه میزان در بین دانشآموزان کاهش یافته است، در مدارس در سه قلمرو فعالیت‌ها را می‌توان بررسی کرد : در قلمرو شناختی، قلمرو عاطفی و قلمرو رفتاری.

### روش‌های آموزشی در تربیت منش

لیکونا در الگوی خود استفاده از روش‌های زیر را در تربیت منش توصیه می‌کند، این روش‌ها برخی به بعد شناختی، برخی به بعد عاطفی و برخی به بعد رفتاری تأکید دارند و برخی بر بیش از یک بعد

تأکید دارند، این روش‌ها در جدول زیر طبقه‌بندی شده است<sup>۱</sup> :

جدول ۱. روش‌های تربیت منش در حیطه‌های شناختی، عاطفی و عملی

عملی	عاطفی	شناختی	ابعاد تربیت منش	روش‌ها
		*		روش شرح و بیان یا توضیحی
		*		روش سخنرانی
		*		روش بحث کلاسی
		*		روش بررسی و پاسخ
		*		روش حل مسئله
	*	*		روش داستان سرایی
*		*		روش بکارگیری مشارکتی
*				روش ایفای نقش
*				روش عملی

\* تأکید اولیه + تأکید ثانویه

### الف) روش‌هایی که روی بعد شناختی تأکید دارند

#### روش شرح و بیان یا توضیحی

در این روش معلم مطالب و مفاهیم را به صورت شفاهی برای دانشآموزان توضیح می‌دهد و هدف از بکارگیری این روش بیشتر توضیح موارد مبهم و دشوار می‌باشد.

تفاوت این روش با روش سخنرانی در این است که در این روش، معلم مطالب را از روی کتاب یا جزوی یا هر مطلب نوشتاری برای دانشآموزان توضیح می‌دهد.

در این روش معلم می‌تواند اطلاعات منسجم و مجموعه‌ای از حقایق، اصول و مفاهیم را

۱. لیکن از باره‌ی روش‌ها توضیح چندانی نداده است، در این قسمت برای تکمیل بحث، با استفاده از مأخذ موجود، هر روش به اختصار توضیح داده شده است.

به صورت مدون در مدت زمانی کمتر در اختیار دانشآموزان قرار دهد به طوری که در یافت آنها به تنهایی توسط دانشآموزان به سادگی امکان‌پذیر نیست (صفوی ۱۳۸۲).

به اعتقاد لیکونا برای توضیح و تبیین برخی مفاهیم، معلم می‌تواند از این روش استفاده نماید، در این روش دانشآموزان بیشتر در بعد شناختی تقویت شده و اطلاعاتی را در زمینه‌های اخلاقی کسب می‌کنند.

### روش سخنرانی

در روش سخنرانی نیز معلم همانند روش توضیحی به طور شفاهی اطلاعات و مفاهیم را در کلاس به دانشآموزان ارائه می‌دهد. در سخنرانی می‌توان معلم را به عنوان پیام‌دهنده و دانشآموز را به عنوان پیام‌گیرنده تصور کرد. از این نظر سخنرانی شیوه‌ای است یک سویه برای انتقال اطلاعات، که معمولاً فraigیر در آن همانند روش توضیحی نقش غیر فعالی دارد.

از این روش زمانی استفاده می‌شود که استفاده از سایر روش‌ها ممکن نباشد، یا تعداد دانشآموزان زیاد باشد یا معلم به بیان مطالبی بپردازد که در منابع و مأخذ موجود نباشد یا حاصل تجارت شخصی وی باشند (صفوی ۱۳۸۲).

این روش را نیز لیکونا در الگوی خود برای ارائه مطالب اخلاقی توصیه می‌کند و معلم در کنار سایر روش‌ها می‌تواند از آن استفاده نماید.

### روش بحث کلاسی

در شیوه بحثی، دانشآموزان فعالانه در یادگیری شرکت می‌کنند و مفاهیم مورد نظر را از یکدیگر می‌آموزنند. در این شیوه معلم را می‌توان به عنوان محرك، شروع کننده بحث و راهنمای تصور کرد.

این شیوه در موارد زیر کاربرد بیشتری دارد:

– موقعی که معلم می‌خواهد مفهوم جدیدی را به فraigیران بیاموزد و انتظار دارد که همه آنها مفهوم را به شکلی واحد در یابند در این صورت معلم سعی می‌کند که بحث را به جهتی بکشاند که شکل صحیح مفهوم از آن نتیجه گیری شود.

– هدف معلم این است که ذهن دانشآموز را به تکاپو و جستجو وادارد. در این صورت معلم مسئله‌ای را عنوان می‌کند که تا دانشآموزان راه حل آن را پیشنهاد کنند. در این موقعیت معلم سعی می‌کند که موضوع بحث را به دلخواه خود کنترل نکند، ترا راه حلی را که خود در نظر دارد به کلاس تحمیل نکند.

در این شیوه فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود که اندیشه‌ها و نظرات خود را برای همه افراد کلاس بیان کنند و مهارت‌های مختلف از قبیل اظهار نظر، خوب سؤال کردن و خوب گوش دادن در آنان تقویت گردد (صفوی ۱۳۸۲).

### روش پرسش و پاسخ

شیوه پرسش و پاسخ شیوه‌ای است که معلم به وسیله آن فرآگیر را به تفکر درباره مفهومی جدید یا بیان مطالبی تشویق می‌کند. معلم، وقتی که می‌خواهد مفهوم دقیقی را در کلاس مطرح نماید یا توجه فرآگیران را به موضوعی جلب کند، شیوه پرسش و پاسخ را به کار می‌برد در این روش معلم فرآگیران را تشویق می‌کند تا اطلاعات خود را درباره موضوعات مختلف بیان کنند.

در روش پرسش و پاسخ، معلم با طرح سؤال‌های برنامه‌ریزی شده، فعالیت‌های ذهنی دانش‌آموزان را در مسیر مطالب و مفاهیم جدید قرار داده و آنان را هدایت می‌کند تا خودشان مفاهیم جدید را کشف نمایند، این روش برای پرورش قدرت تفکر و استدلال بسیار مؤثر است (شعبانی ۱۳۸۲). لیکن این روش را نیز در تربیت منش و آموزش مفاهیم اخلاقی مناسب می‌داند.

### روش حل مسئله

این روش یکی از روش‌های فعال تدریس است که موجب تقویت زرف اندیشی، تفکر تحلیلی، تفکر انتقادی، خلاقیت، اعتماد و اطمینان به اتخاذ روش علمی می‌گردد و دانش‌آموزان می‌توانند روش تحقیق را یاموزند

جان دیوئی این روش را شامل چند مرحله می‌داند (صفوی ۱۳۸۲) :

- ۱- مشخص کردن و بیان مسئله؛ ۲- جمع آوری اطلاعات؛ ۳- حدس زدن یا مشخص کردن علل احتمالی مسئله یا ارائه فرضیه؛ ۴- آزمایش فرضیه‌ها؛ ۵- رسیدن به راه حل صحیح، ۶- نتیجه‌گیری و تعمیم آن.

در این روش دانش‌آموزان با بهره‌گیری از تجارت و دانسته‌های پیشین خود درباره‌ی رویدادهای محیط خود می‌اندیشند تا مشکلی را که با آن مواجه شده‌اند حل کنند، معلمان در این روش باید موقعیت‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند تا بتوانند مسائل خود را از راه بژووهش و کاوش و به مدد شواهد موجود یا گرد آوری شده بررسی کنند (شعبانی ۱۳۸۲).

در این روش معلم نقش راهنمای را ایفا می‌کند و دانش‌آموزان فعال می‌باشند و اطلاعات و مطالب را از منابع گوناگون گرد آوری می‌کنند، این روش از روش‌های مؤثر در تدریس به شمار می‌آید. لیکن این روش را در الگوی خود یکی از روش‌های مؤثر در تربیت منش می‌داند.

## ب) روش‌هایی که بیشتر روی بعد‌عاطفی تأکید دارند

### روش داستان‌سرایی

داستان‌سرایی وسیله‌ی خوبی برای تحریک اندیشه جهت تفکر، عبرت‌آموزی، تسلی خاطر، هدایت شدن به راه راست، حساسیت در برابر امور و تفکر درباره‌ی جهان است. از راه داستان می‌توان بسیاری از مطالب را به صورتی غیر مستقیم به دانش‌آموزان آموخت.

داستان در کلاس فواید متعددی دارد، از جمله بر انگیختن علاقه‌ی دانش‌آموز، کمک به جریان ارائه‌ی درس، قابل حفظ کردن مطالب درسی، غلبه بر مقاومت یا تشویق دانش‌آموز و ایجاد همدلی بین معلم و دانش‌آموز یا میان خود دانش‌آموزان. با استفاده از داستان معلم می‌تواند در تدریس تنوع ایجاد کرده و از خستگی دانش‌آموزان بکاهد. معلم با بیان داستان‌های اخلاقی و تحلیل آن‌ها می‌تواند نکات مهم اخلاقی را به دانش‌آموزان بیاموزد. این روش هم در بعد‌عاطفی و هم در بعد‌شناختن مؤثر می‌باشد.

## ج) روش‌هایی که بیشتر روی بعد‌عملی تأکید دارند

### روش یادگیری مشارکتی

در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان با کمک همدیگر به یادگیری نائل می‌گردند و با مشارکت یکدیگر بهتر می‌توانند مطالب را یاد بگیرند.

در این روش دانش‌آموزان می‌توانند در خلال تعامل و همکاری، تجارب خود را سازمان دهی کنند، اندیشه‌های منطقی و مهارت‌های سطح بالای ارتباط کلامی خود را تقویت نمایند، تحقیقات انجام شده نشان داده است که رویکردهای مختلف روش مشارکتی نسبت به سایر روش‌های آموزشی تأثیر پیشتری در پیشرفت تحصیلی و رفتار دانش‌آموزان دارد (شعبانی ۱۳۸۲).

دانش‌آموزان در این روش به جای رقابت با یکدیگر به مشارکت با هم می‌پردازند و می‌توانند مهارت‌های مهم زندگی از طریق مشارکت با هم بیاموزند، دانش‌آموزانی که فعالیت‌های مشارکتی را تجربه می‌کنند، نسبت به سایر افراد زودتر و بهتر به بازسازی و اصلاح نگرش‌های خود خواهند پرداخت (اسلاوین ۱۹۹۰).

### روش ایفای نقش

هدف این روش، رشد همدلی با دیگران و بررسی مسائل واقعیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی در عمل است. این روش می‌تواند باب افتتاح گفتگو در باره‌ی ارزش‌ها و چگونگی اثر آن‌ها در زندگی روزانه باشد. در این روش معلم مسئول شروع و هدایت دانش‌آموزان است. به نحوی که آن‌ها را قادر

به تحلیل رفتار، ارزش‌های فردی، هم‌لی، حل مسائل میان فردی، نقش ارزش‌ها در مسائل اجتماعی و آسودگی در ابراز عقاید نماید. این روش در همه برنامه‌های آموزشی و پرورشی و سنین مختلف کاربرد دارد.

به طور کلی این روش باعث افزایش فهم دانش‌آموزان در بهبود و گسترش ارزش‌های اجتماعی می‌شود. برای مثال: معلم می‌تواند از طریق این الگو مسائل خوب و بد اجتماعی و یا رفتارهای خوب و بد را توسط دانش‌آموزان به نمایش بگذارد و سپس در مورد آن به کمک فراگیران به بحث و ارزشیابی بپردازد.

بدین ترتیب معلم از طریق عمل دانش‌آموزان نمایش به بررسی مسائل اجتماعی، رفتاری و ارزشیابی آن توسط دانش‌آموزان می‌پردازد.

### روش عملی

در این روش نخست معلم قواعد و اصول کلی انجام عمل را توضیح می‌دهد و سپس دانش‌آموزان را به طور عملی با مسئله درگیر می‌سازد و در حین عمل نیز نکات لازم را برای رفع اشتباہات پیش آمده برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد و بدین ترتیب دانش‌آموزان را در حل مسائل و انجام کار عملی یاری و هدایت می‌کند و دانش‌آموزان در مدت زمانی کوتاه مهارت‌های مختلف را کسب می‌کنند (نقدی ۱۳۷۲). نمونه‌ای از کار عملی در تربیت منش جستجوی نکات اخلاقی در مطبوعات و استخراج مفاهیم ارزشی و دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌باشد. و یا تهیه‌ی روزنامه دیواری با موضوع مفاهیم ارزشی نمونه‌ای از کار عملی می‌باشد.

لیکن این روش را نیز جزء روش‌های مؤثر تربیت منش در الگوی خود آورده است.

### تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی یکی از صاحب‌نظران عصر حاضر است که در زمینه‌ی تربیت اخلاقی به بحث پرداخته است و در آثار ایشان از جمله در تفسیر المیزان مباحث مربوط به تربیت اخلاقی مطرح گردیده است در اینجا آراء ایشان به طور مختصر درباره‌ی مبانی تربیت اخلاقی، اهداف، اصول، روش‌ها و عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی آورده شده است.

### هستی‌شناسی

علامه طباطبائی جهان هستی را آفریده خداوند می‌داند که این جهان هستی دارای هدفی است.

و دنیا محلی است که انسان در آن سرنوشت حیات اخروی خود را رقم می‌زند، دنیا وسیله‌ای است برای رسیدن به سعادت اخروی، وسیله بودن حیات دنیوی برای زندگی آخرت به وسیله‌ی اعتقادات و اعمال اخلاقی شایسته است. (طباطبائی ۱۳۶۴).

بنابر این از دیدگاه علامه طباطبائی :

جهان توسط خداوند خلق شده و هدفدار است؛

دنیا محلی است که در آن سرنوشت انسان در حیات اخروی تعیین می‌گردد؛

دنیا وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت اخروی است؛

عمل به دستورات الهی و فضایل اخلاقی راه رسیدن به سعادت می‌باشد.

## انسان شناسی

انسان از نظر علامه طباطبائی موجودی با ویژگی‌های مختلف است که مهم‌ترین ویژگی‌های آن

به شرح زیر است :

– انسان دارای جسم و روح است

خداآنده، انسان را مرکب از دو جزء و دوجوهر آفریده است، یک جوهر جسمانی که ماده بدن اوست و دیگری جوهر مجرد که روح و روان اوست. «این دو پیوسته در زندگانی دنیوی همراه و ملازم یکدیگرند و هنگام مرگ، روح از بدن جدا می‌گردد. (دانشآموزان طباطبائی ۱۳۶۴) ج ۳».

– انسان دارای قدرت آگاهی است

انسان قادر است که جهان و پیرامون خود را بشناسد و با آن ارتباط برقرار نماید و از آن بهره‌مند شود و در این راه از امکانات لازم برخوردار است. «خداآنده متعال نوع انسان را که آفرید، قوای ادراکی در او به ودیعت نهاد. چشم و گوش و... قوای باطنی برایش قرار داده و او را نیروی فکری عطا فرمود که بتواند، به واسطه آن بر حوادث گذشته و آینده اطلاع یابد» (دانشآموزان طباطبائی ۱۳۶۴) ج ۳.

– انسان موجودی استخدام گراست.

شاید یکی از اساسی‌ترین نظریه‌های انسان شناسی علامه همین است. بدزعم ایشان انسان موجودی است که برای کمال و ارتفاع نقص‌های وجودی خود، به استخدام اشیاء و جانداران و حتی همنوع خود دست می‌زند و این واقعیت در تمامی اعمال آدمی قابل مشاهده است. اندیشه عملی آدمی چنین است «باید هرچه را ممکن است در راه کمال استخدام کرد» (دانشآموزان علامه ۱۳۶۳) ج ۳.

### – انسان موجودی مدنی و اجتماعی است.

طبق نظر علامه آدمی به سبب روح استخدام گری که دارد به اجتماع روی می‌آورد و این که ایشان می‌فرماید آدمی طبعاً مدنی است به همین معناست. به واسطه همین اجتماع است که اصل عدالت هم توسط آدمی اعتبار می‌شود. «بنابراین لزوم اجتماع مدنی و عدالت اجتماعی امری است که بشر از پذیرفتن آن ناچار است» (طباطبائی ۱۳۶۶: ۱۶۶ ج ۲).

### – انسان دارای فطرت است.

از نظر علامه طباطبائی انسان دارای فطرت است، ایشان می‌نویسد:

«انسان نیز مانند سایر انواع مخلوقات دارای فطرتی است که او را به سوی تکمیل نواقص خود و رفع حواجش هدایت نموده، آنچه که نافع برای اوست و آنچه برایش ضرورت دارد ملهم کرده است... پس انسان دارای فطرتی دانش‌آموزان خلقی» خاص خود است که او را به سنتی خاص به زندگی به خود هدایت می‌کند و راه معینی دارد که منتهی به هدف و غایبی خاص می‌شود (علامه ۱۳۶۳: ۲۸۷ ج ۳).

### – انسان دارای زندگی ابدی است

از نظر علامه طباطبائی انسان موجودی است که خداوند متعال زندگی ابدی به او داده است و زندگی انسان با مرگ پایان نمی‌پذیرد و دنیا در اصل یکی از مراحل زندگی است علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد:

خداوند متعال انسان را آفریده و هستی اش وابسته به اخداست و به سوی او باز خواهد گشت و زندگی اش با مرگ پایان نمی‌پذیرد، او یک زندگی ابدی و پایان ناپذیر دارد (طباطبائی ۱۳۶۴: ۱۱۹ ج ۲).

### – انسان دارای کرامت است

انسان با داشتن استعدادها و توانایی‌های خاص بر بسیاری از موجودات برتری دارد و خداوند به سبب همین کرامت انسان او را خلیفه خود در زمین قرار داده است علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد:

تکریم انسان به نعمت عقل است که به هیچ موجود دیگری داده نشده است و انسان با عقل، نیک و بد و خیر و شر را از هم تشخیص می‌دهد، تفضیل انسان به این است که از نعمت‌هایی که به دیگر موجودات داده شده سهم بیشتری دارد (طباطبائی ۱۳۶۴: ۱۵۶ ج ۱۲).

### – انسان دارای اراده و اختیار است

انسان از نظر علامه طباطبائی موجودی است که دارای اراده و اختیار است، ایشان در این باره می‌نویسند: انسان با داشتن عقل و اراده می‌تواند چیزی را که بخواهد برای خود انتخاب کند و می‌تواند انتخاب نکند، انسان مطابق نظرت خود نسبت به انجام یا عدم انجام کارها آزاد است (طباطبائی ۱۳۶۴: ۳۷۰ ج).

### — انسان موجودی نیازمند است

انسان از نظر علامه طباطبائی موجودی است با نیازها و محدودیت‌های مختلف، در این باره ایشان می‌نویسند: انسان در تمام ابعاد وجودی خود محدود و نیازمند آفریده شده است و نیازهای او حد معینی ندارد تا وقتی به آن رسید تمام شود بلکه پیوسته بر تعداد و کیفیت نیازهای او افزوده می‌شود (طباطبائی ۱۳۶۴: ۲۱۱ ج ۱).

## ارزش‌شناسی

علامه طباطبائی مباحث عمده ارزش‌شناسی خود را تحت عنوان ادراکات حقیقی و اعتباری در آثار خود مطرح نموده است.

### ادراکات حقیقی و اعتباری

یکی از مفاهیم مهمی که علامه طباطبائی در باره‌ی آن بحث کرده و با مطلق یا نسبی بودن ارزش‌های اخلاقی ارتباط دارد، بحث ادراکات حقیقی و اعتباری است.

علامه طباطبائی ادراکات را به دو بخش حقیقی و اعتباری تقسیم کرده است:

ادراکات حقیقی شامل علوم حقیقی هستند مانند فلسفه و ریاضیات و... و وجه مشخصه این علوم آن است که در گزاره‌های ایشان، روابط پدیده‌های واقعی خارج از اراده انسان وجود دارد (طباطبائی ۱۳۶۴ ج ۱۵). مثلاً وقتی گفته می‌شود در عالم خورشید وجود دارد، واقعیتی بیان می‌شود که خارج از اراده انسان است. بنابر این مصدق این مفاهیم در خارج موجود است. این مفاهیم حکایت از چیستی اشیاء دارند و بین آن‌ها و مصداق‌های ایشان به نحوی تطابق و عینیت برقرار است. دانش‌آموزان طباطبائی، (۱۳۷۴)

ادراکات اعتباری ما به ازای خارجی ندارند، در ادراکات اعتباری مفاهیم حقیقی درباره‌ی مصدق غیر خودشان به کار می‌روند و ذهن انسان به واسطه قدرت خاصی که دارد، حدود و صور برخی اشیاء را گرفته و به اشیای دیگر نسبت می‌دهد، مانند عملی که در استعاره انجام می‌شود مثلاً به شخصی که خیلی دلیر است و همچون شیر نبرد می‌کند، صفت شیر نسبت می‌دهیم (مدرسی ۱۳۷۰).

از دیدگاه علامه طباطبائی ادراکات حقیقی همواره ثابت هستند ولی ادراکات اعتباری در موقعیت‌های مختلف می‌توانند متفاوت باشند. (ایمانی ۱۳۷۶).

### مطلق یا نسبی بودن ارزش‌های اخلاقی

از نظر علامه طباطبائی، چون انسان نوع واحدی است، بنابر این یک سعادت و شقاوت هم دارد و اگر سعادت انسان‌ها به خاطر اختلافی که دارند مختلف می‌شود، یک جامعه سالم و صالح که ضامن سعادت افراد جامعه باشد، شکل نمی‌گرفت و انسان‌ها نوع واحدی نمی‌شوند (طباطبائی ۱۳۶۴ ج ۳۱).

اصول اخلاقی و ارزش‌ها در اسلام، مطلق و ثابت، اما از جهت مصاديق، انعطاف‌پذیر و وابسته به زمان و مکانند.

البته خود زمان و مکان عوامل اصلی تغییر دهنده نیستند، بلکه حاکم از عوامل دیگر از قبیل وجود مصالح خاصی هستند که آن مصالح، مقتضی تغییر است. پس نظام ارزشی اسلام، نه کاملاً مطلق و ثابت است که در هیچ شرایط زمانی و مکانی تغییر نکند و نه این که همیشه تابع شرایط زمان و مکان است (مصطفی ۱۳۶۲).

مطلق یا نسبی بودن ارزش‌ها، با ثبات یا تغییرپذیری ارزش‌ها در ارتباط است. مطلق بودن ارزش‌ها، ثبات کامل آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف به دنبال دارد، چنان‌که غیر مطلق بودن ارزش‌ها، محدود بودن به موقعیت‌ها و در نتیجه تغییرپذیری را به دنبال خواهد داشت. در حیطه‌ی ارزش‌های غیر مطلق، دو نوع ارزش متفاوت در نظام ارزشی اسلام شامل : ارزش‌های مشروط و ارزش‌های متغیر مطرح می‌باشد. ارزش‌های مشروط، محدود و مقید به حدود خاصی هستند. این ارزش‌ها در محدوده حدود خود صادقند و بیرون از آن محدوده، برقرار نخواهند بود. ارزش‌های متغیر، در بستر زمان دگرگون می‌شوند و بنابراین اعتبارشان تاریخی است (صادق زاده ۱۳۸۶).

نظر علامه طباطبائی همانند نظر فوق است، ایشان نیز درباره‌ی نسبی و مطلق بودن ارزش‌ها به مطلق بودن مفهومی و نسبیت مصداقی معتقد می‌باشد. بنابر این این گونه نیست که مثلاً عدل نزد برخی خوب و نزد برخی بد باشد بلکه مصدق‌ها ممکن است متفاوت باشد. شلاق زدن به فرد زناکار در جامعه‌ی اسلامی عدل می‌باشد ولی در جوامع غربی ظلم تلقی می‌گردد. بر این اساس فاعل اخلاقی باید قدرت تفکر و تشخیص داشته باشد تا در موقعیت‌های مختلف اخلاقی به انتخاب فعل درست و مصدق‌های ارزش‌ها اقدام کند.

## فطری بودن امور اخلاقی

علامه طباطبائی مبنای ارزش‌های دینی و اخلاقی را اموری فطری می‌داند و به وجود فطرت در انسان قائل است.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه‌ی «فالهما فجورها و تقواها» بیان می‌کنند که مراد از الهام این است که خداوند صفات عمل انسان را به او شناسانده و به او فهمانده است که عملی را که انجام می‌دهد فجور است یا تقوا و فضیلت (طباطبائی ۱۳۶۴ ج ۲۰).

## معرفت شناسی

### علم حضوری و حضولی

علامه طباطبائی علم را به حضوری و حضولی تقسیم می‌کند. علم حضوری را علمی می‌داند که معلوم ترد عالم حاضر است مانند علم هر یک از ما به ذات خوش. و در علم حضولی حضور ماهیت پیش عالم معلوم است؛ بدین معنا که ما به امور خارج از خود آگاهی و معرفت داریم. (طباطبائی ۱۳۶۴ ج ۱)

### ابزارهای کسب معرفت

انسان برای دستیابی به معرفت، راه‌ها و ابزارهای گوناگونی شامل: حواس درونی و بیرونی، عقل، شهود و مکافنه، وحی و الهام و مرجعیت در اختیار دارد (صادق زاده ۱۳۸۶).

علامه طباطبائی حس، عقل، شهود و وحی را جزء ابزارها و منابع معرفت می‌داند.

### — حس —

حس فراگیرترین ابزار معرفت است. اما شناخت‌های برآمده از حواس ظاهری، حضولی و جزئی اند و دارای محدودیت زمانی و مکانی هستند. درک برخی از معانی و صورت‌های ذهنی، ساخت صورت‌های تازه و آفرینش گری‌های هنری و شعری، تعریف و استدلال، یادآوری معلومات گذشته و گاه فراموش شده؛ از کارکردها یا شئون حواس باطنی است (صادق زاده ۱۳۸۶). علامه طباطبائی یکی از ابزارهای مهم کسب معرفت را حواس می‌داند. و بخش عمده‌ای از معرفت از طریق حواس به دست می‌آید که این‌ها ادراکات حسی است (طباطبائی ۱۳۶۴ ج ۱). ولی تمامی معرفت ما حسی نیست و از منابع دیگر از جمله عقل به دست می‌آید.

## — عقل —

عقل از فعالیت‌های مهم آدمی است و عقل یکی از منابع و ابزارهای کسب معرفت به شمار می‌رود از نظر علامه طباطبائی از طریق عقل به درک مفاهیم کلی نایل می‌آیم. طبق دیدگاه علامه طباطبائی، حس به تنهایی ما را به جهان خارج راهنمایی نمی‌کند بلکه به کمک عقل آن را انجام می‌دهد (طباطبائی ۱۳۷۲).

## — شهود —

در شهود واقعیتی بدون واسطه و به شکل حضوری به ادراک انسان در می‌آید. از شناخت‌های شهودی همگانی می‌توان معرفت به خود، معرفت به توانایی‌های درونی خود (اعم از ادراکی و تحریکی)، و معرفت به آفریننده خود نام برد (صادق زاده ۱۳۸۶). از نظر علامه طباطبائی نیز شهود یکی از منابع کسب معرفت به شمار می‌رود.

## — وحی —

از نظر علامه طباطبائی وحی و الهام نیز یکی از راه‌های کسب معرفت است. وحی و الهام گستردگی عقل و حس را ندارند دریافت آن‌ها توسط پیامبر (ص) و مخصوصین (ع) صورت می‌گیرد و برای دیگران نقل می‌کنند.

## اهداف تربیت اخلاقی

اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی در دو سطح قابل استنباط است : سطح کلی که می‌توان آن‌ها جزء اهداف آرمانی در نظر گرفت و اهداف جزئی که در سطوح پایین تری فرار دارند، این اهداف از بررسی آثار علامه استنباط شده‌اند.

اهداف آرمانی عبارتند از : عبودیت خداوند تقوا، حیات طیبه، سعادت .

## عبدیت خداوند

از نظر علامه طباطبائی عبودیت خداوند یعنی انسان به کمالی برسد که معتقد شود به این که خدایی دارد که همه پدیده‌های عالم را آفریده و بازگشت همه به سوی اوست. آنگاه اعمال او در پرتو این اعتقاد حکایت از بندگی او به خداوند متعال بکند و خلوص در بندگیش در گفتار و کردارش ظاهر گردد و همه اعمال و افکارش صبغه الهی و توحیدی به خود گیرد (نقی ۱۳۷۲). در این صورت انسان سعی می‌کند همواره در مسیر حق قدم بردارد و دستورات الهی عمل کند.

یکی از اهداف آرمانی در تربیت اخلاقی از نظر علامه طباطبائی تقواست، تقوّا عبارت از آن است که نفس تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه یا به خطای دچار نگردد (باقری، ۱۳۷۶) و این هدفی است که در تربیت اخلاقی دنبال می‌گردد.

در تربیت اخلاقی نیز سعی بر این است که انسان به مرتبه‌ای برسد که گناهی مرتکب نشود، علامه طباطبائی در تفسیر آیه‌ی ان اکرمکم عندالله اتقکم می‌نویسد: تقوّا هدفی است که خدای متعال به علم خود آن را هدف زندگی انسان‌ها قرار داده است (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۸). برای به دست آوردن این هدف نیازی نیست افراد برای دستیابی به آن با یکدیگر اختلاف و کشمکش داشته باشند بلکه همه افراد می‌توانند با تقوّا شوند برخلاف بسیاری از امتیازات که دارای محدودیت می‌باشند و هر کس می‌کوشد تا آن‌ها را زودتر از دیگران تصاحب کند و به دست آوردن آن توسط یک فرد یا گروه باعث محرومیت نسبی دیگران از آن می‌شود مانند ثروت یا قدرت (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۹).

تقوّا شامل اصلاح خلق و خو و کسب فضائل ارزشمند را شامل می‌گردد و هر کس نفس خود را ترکیه کند و تقوّا پیشه کند، هدایت می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۷).

### حیات طیبه

یکی دیگر از اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی دستیابی به حیات طیبه است. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: خداوند مؤمنین را که عمل صالح انجام دهنده به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران داده شده است، زنده می‌کند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱۹). بنابر این حیات طیبه حیاتی است پاک که در آن هیچ رذیله اخلاقی وجود ندارد و سراسر فضائل اخلاقی است و راه رسیدن به این حیات انجام عمل صالح است.

### سعادت

سعادت یکی دیگر از اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی می‌باشد. علامه طباطبائی سعادت را به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم می‌کند و در تربیت اخلاقی سعادت اخروی را مهم می‌داند و دستیابی به بهشت را که به مؤمنان و عده داده شده است سعادت اخروی می‌داند که انسان‌ها با کسب فضائل اخلاقی می‌توانند به آن دست یابند (بوستانی، ۱۳۸۰).

علامه طباطبائی معتقد است سعادت دارای طبقاتی است و پایین‌ترین طبقه سعادت این است که انسان قوای نفسانی خود را به گونه‌ای کنترل کند که سعادت دنیوی و اخروی او را تأمین کند و بالاترین مرتبه سعادت نیز معرفت و رحمت خداوند است، چنین مرتبه‌ای برای کسی حاصل نمی‌شود مگر از

راه عبودیت و رسیدن به حد کمال، آن که هیچ چیز نخواهد و هیچ عملی انجام ندهد مگر بر وفق اراده خداوند و این همان داخل شدن در تحت ولایت الهی است (طباطبائی ۱۳۶۴ج ۷).

با عنایت به موارد فوق می‌توان گفت هدف نهایی تربیت اخلاقی از نظر علامه طباطبائی تخلق به اخلاق الهی است و با خدا گونه شدن هدف تربیت اخلاقی به بهترین وجه تحقق می‌یابد.

### اهداف جزئی

رسیدن به اهداف آرمانی فوق از طریق عمل به دستورات اسلامی و ارزش‌های مختلف اخلاقی است که آن‌ها را می‌توان جزء اهداف جزئی تربیت اخلاقی به شمار آورد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

ایثار و فداکاری، جهاد، تواضع و فروتنی، اخلاص، صبر و بردباری، امانت داری، وفای به عهد، مبارزه با ظلم، عفت و حیا، رازداری، عدالت خواهی، ساده زیستی، صرفه جویی و پاکیزگی.

## اصول تربیت اخلاقی

اصل‌ها، گزاره‌های هنجاری و اعتباری هستند که راهنمای عملی مری می‌باشند. براساس مبانی ارزش‌شناسی علامه طباطبائی، اصل‌های زیر به عنوان اصول تربیت اخلاقی قابل طرح است (حسنی، ۱۳۸۲).

### اصل نتیجه گرایی

این اصل از مبنای ادراکات اعتباری و اعتبارسازی به دست می‌آید. زیرا در ساختن اعتباریات، پیامد آن‌ها، امری اساسی است. اعتباریات دانش‌آموزان ارزش‌ها به اعتبار نتیجه‌هایشان وضع می‌شوند. کاربرد این اصل در تعلیم و تربیت اخلاقی همان ارتباط فعل اخلاقی با نتیجه آن است؛ به هر صورت برای دعوت انسان‌ها به انجام فعل اخلاقی نیازمند توجیه آن‌ها هستیم بدون این توجیه دعوت مبنای درستی نخواهد داشت؛ به عبارتی یکی از میزان‌ها و ملاک‌هایی که براساس آن می‌توان درباره‌ی اعتبارها و ارزش‌ها داوری کرد؛ نتایج حاصل از این اعتبارهای است (طباطبائی، ۱۳۶۴ج ۲).

در دیدگاه علامه طباطبائی هر اعتباری در جهت مصلحت‌های اجتماع و فرد وضع می‌شود. نتیجه‌های اعتباریات امری واقعی است، لذا می‌توان به گونه‌ای تجربی آن‌ها را مطالعه و بررسی کرد؛ به این صورت که بشر در جریان تکامل خود پیوسته اقدام به وضع اعتباریات می‌نماید و با سنجش رابطه نتیجه‌های آن‌ها با منافع مصالح دانش‌آموزان سعادت و کمال آن‌ها را تأیید یا لغو نموده یا تغییر می‌دهد. این اصل بر تقویت جنبه‌ی عقلانی در تربیت اخلاقی دلالت دارد، زیرا در این اصل به پیش‌بینی نتیجه

عمل و ارتباطش با کمال و سعادت آدمی تأکید می‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج. ۵).

در جریان تربیت اخلاقی در صورتی که به نحوی بتوان بین اعتباریات اخلاقی و نتیجه‌هایش یعنی تأثیری که در سعادت و کمال فردی و اجتماعی دارد، ارتباط برقرار نمود، بهتر می‌توان افراد را به عمل اخلاقی دعوت کرد. بنابراین اگر در آموزش مفاهیم اخلاقی به داشت آموزان، آنان را از تابع و تأثیر مثبت آن‌ها آگاه سازیم بیشتر به این مفاهیم توجه می‌کنند.

### اصل تعالی عاطفی

بخش مهم و اساسی وجود ما دستگاه عاطفی است. تأثیر این دستگاه در کمال اخلاقی غیرقابل انکار است. این اهمیت تاجیگی است که برخی نحله‌های اخلاقی مانند عاطفه گرایی<sup>۱</sup> مبنای اخلاق و ترجیحات ارزشی را عواطف و احساسات فردی می‌پندارند.

منع و منشأ روی آوردن آدمی به تولید اعتباریات احساسات درونی ناشی از انگیزه‌هاست. این انگیزه‌ها در ابعاد جسمانی و روانی منشأ تولید ادراک‌های اعتباری و ارزش‌ها هستند. ارزش‌های اخلاقی هم ریشه در همین نیازها دارد علی رغم این که انسان موجودی استخدام گرو خودگراست اما با همین مبنای خودگرایی انسان به سوی شکل دادن به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی پیش می‌رود. زنجیره اعتبار استخدام و اعتبار اجتماع و اعتبار عدالت چنین سیری را به تصویر می‌کشد (طباطبائی، ۱۳۷۲). یعنی ساختار روانی آدمی، به گونه‌ای است که بشر را به سمت و سوی تولید این ادراک‌ها – ارزش‌ها – سوق می‌دهد. منشأ این‌ها عواطف و احساساتی است که طبیعت در نهاد انسان قرار داده است. این عواطف و احساسات بالقوه باعث حرکت آدمی به سوی حیات اخلاقی می‌شود. حسن فاعلی نیز تحت تأثیر همین انگیزه‌ها است. لذا هر چه انگیزه‌ها و احساسات مثبت و قدرت بیشتری داشته باشد امکان بروز فعل اخلاقی بیشتر می‌شود.

### اصل ایجاد جو اخلاقی

این اصل از مبنای اقتضائات محیطی برگرفته شده است. به این معنی که فضا و جو حاکم بر محیطی که فرد در آن قرار دارد، تحریک کننده است و می‌تواند او را به سوی فعلی سوق دهد. انتظارهای محیط نمی‌تواند یک فعل را تاحد ضرورت برساند بلکه تنها نقش اقتضائی دارد (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج. ۵) یعنی علامه طباطبائی صرحتاً با جبر محیطی مخالف است و ایجاد جو اخلاقی در یک محیط، به ویژه محیط آموزشی، به معنای القاء و تلقین نیست. اراده عامل ضرورت بخش هر فعلی به ویژه فعل اخلاقی است نه فقط انتظارهای محیط یا آداب و رسوم حاکم بر محیط؛ زیرا هر فردی می‌تواند

1. Emotivism

برخلاف این انتظارها و هنجارها عمل نماید. با این حال این انتظارها و هنجارهای حاکم یا فضای حاکم نوعی آمادگی و دعوت می‌باشد؛ یعنی بستری برای بروز و ظهور برخی فعل‌ها می‌شود. به‌زعم علامه طباطبائی، جامعه به گونه‌ای حیات مستقل از افراد دارد؛ یعنی قانون و سنتی مستقل از افراد دارد. در عین حال استقلال نسبی افراد در این میان محفوظ است و فرد به کلی در حیات جمعی منحل نمی‌شود. اما حیات جمعی در فرد نفوذ می‌نماید (طباطبائی، به نقل از امید، ۹۱ : ۱۳۸۰).

از سوی دیگر، قانون و سنت‌های جامعه یا همان ارزش‌های اجتماعی در نهایت به فرد بر می‌گردد و ریشه در حس فاعلی افراد جامعه دارد که به صورت فکر متراکم واحد و مستقل تبدیل شده است (طباطبائی، ۱۳۷۲). پس جو حاکم بر اجتماع کاملاً مستقل از تمایل افراد نیست و این تمایل‌های مشترک است که اعتباریاتی مشترک و در نهایت انتظارهای مشترک را می‌سازد. از منظر تربیتی آن چه جو حاکم بر یک آموزشگاه را می‌سازد، ارزش‌ها و سنت‌هایی است که مقبولیت یافته است به عبارت دیگر خود دانش‌آموزان هستند که با مداخله در تأیید و تحکیم و ارزش‌ها، جو اخلاقی را به وجود می‌آورند در نهایت این جو به شکلی استقلال یافته و زمینه بروز و ظهور فعل اخلاقی را فراهم می‌سازد.

بر اساس این اصل عوامل مختلفی که می‌توانند در تربیت اخلاقی مؤثر باشند باید مورد توجه قرار گیرند.

### تناسب محتوا با نیاز دانش‌آموزان

از آثار علامه طباطبائی چنین می‌توان استنباط کرد که اگر محتوای برنامه تربیت اخلاقی متناسب با نیاز دانش‌آموزان به آنان آموخته شود بسیار مؤثر واقع می‌گردد. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد :

بيان يك نظریه‌ی علمی در هنگام نیاز در دل شاگردی که می‌خواهد آن را بیاموزد، بهتر ثبت می‌شود و در قلب می‌نشیند و پایر جانیز خواهد بود و به زودی آن را فراموش نمی‌کند (طباطبائی ۱۳۶۴ ج ۲۰).

### تناسب محتوای برنامه با توان دانش‌آموزان

یکی از نکات مهم در تربیت و تربیت اخلاقی توجه به توانایی‌های افراد و انتظار داشتن از آن‌ها در حد توانایی‌های آن‌هاست. علامه طباطبائی می‌نویسد در عالم بین انسان‌ها نوعی اختلاف وجود دارد که اجتناب ناپذیر است و آن اختلاف طبیع می‌باشد که منشأ اختلاف در توانایی‌هاست، ترکیب‌های بدنی انسان‌ها با یکدیگر متفاوت است و چنین تفاوتی موجبات اختلاف در استعدادهای بدنی و روحی

است (طباطبائی ۱۳۶۴ ج ۲۱)، و درباره‌ی انتظار از افراد در حد توانایی‌های آنان در تفسیر آیه‌ی لا يکلف الله نفساً الا وسعها (بقره ۲۸۶) می‌نویسد از آن جا که مردم در توانایی‌ها و قوت ادراک و ضعف آن متفاوت هستند، خداوند متعال از هر عقلی به اندازه قدرت و توان درک و طاقت تحملش تکلیف خواسته است، بنابر این نباید از همه افراد به یک میزان و شکل توقع داشت بلکه لازم است این توقع مناسب با استعدادها و قدرت عقلی و ویژگی‌های ذهنی آنان باشد (نقدی ۱۳۷۲). توجه این اصل در تعیین محتوا و ارزشیابی بسیار حائز اهمیت است.

## روش‌های آموزشی در تربیت اخلاقی

روش‌های زیر را که در تربیت اخلاقی می‌توان به کار گرفت، از آرای علامه طباطبائی قابل استنباط است :

روش استدلال، روشن تکرار، روشن عملی، روشن اسوه  
روشن استدلال

علامه طباطبائی در توضیح این روش می‌نویسد: در چنین روشی، یکی از طرفین از طرف مناظره خود دلیل می‌خواهد و در ضمن می‌گوید من بدین منظور از تو دلیل می‌خواهم، زیرا که خود دلیلی بر خلاف ادعای تو دارم (طباطبائی، ۱۳۶۴). بر این اساس می‌توان گفت، معلم در صورت آشنایی مطلوب با این روش و به کار بردن دقیق آن می‌تواند در دست یابی دقیق داشت آموزان به تفکر اتفاقادی آنان را باری کند. معلم با استفاده از این روش در تدریس، محیط کلاس را از تنوع برخوردار ساخته و برای دانش آموزان جذاب می‌نماید (ایمانی، ۱۳۷۶).

### روشن تکرار

علامه طباطبائی ارزش‌های اخلاقی را در گرو ایمان و باور فرد از یک سو و در رابطه با اعمال فرد از سوی دیگر می‌داند و تکرار اعمال نیک و تداوم آن را رمز ملکه شدن این ارزش‌ها تلقی می‌کند (ایمانی، ۱۳۷۶).

تنها وسیله‌ای که به کمک آن می‌توان صفات باطنی را اصلاح کرد و ملکات فاضله اخلاقی را تحصیل و صفحه‌ی دل را از آلودگی اخلاقی زشت پاک کرد تمرین و تکرار اعمال شایسته مناسب با صفات اخلاقی است، زیرا بر اثر تکرار عمل در هر مورد صور علمی خاصی در روح انسان نقش می‌بندد و بر اثر تراکم به جایی می‌رسد که اثر آن غیر قابل زوال می‌شود یا لااقل به آسانی زایل نخواهد شد. بنابر این از نظر علامه طباطبائی راه تحصیل ملکات فاضله عبارت است از تکرار عمل صالح و

مدامت بر آن. با تکرار عمل به تدریج آن عمل بر نفس آدمی نفس می‌بندد به گونه‌ای که به راحتی ازین نمی‌رود (بوستانی، ۱۳۸۰).

### روش عملی

در این روش معلمان با راهنمایی معلم به طور عملی با مسئله‌ی مطرح شده در گیر می‌شوند تا بتوانند مهارت لازم را کسب نمایند. علامه طباطبائی در باره‌ی این روش می‌گوید:

روشی را که قرآن شریف در تعلیم و تربیت به کار گرفته، روش عملی است، روش عملی در تعلیم و تربیت اسلامی به خصوص در تعلیم مسائل دینی از بدیهی نرین امور است زیرا خداوند در تعلیم مسائل تنها به بیان کلیات عقلی و قوانین عمومی بسته نکرده است بلکه مسلمانان را از آغاز پذیرفتن اسلام به عمل وا داشته است (طباطبائی، ۲۵۸: ۶۴ ج ۱۳۶۴).

### روش اسوه

روش اسوه و الگوگیری در تعلیم و تربیت اسلامی اهمیت خاصی دارد در این روش هدف این است که فرد هم در گفتارش و هم در رفتارش، رفتار و کردار و گفتاری مطلوب را الگوی خود قرار دهد و بدین گونه موقعیت فرد در اثر این الگوگیری تغییر یابد و حالت نیکو و مطلوبی مطابق با آن عمل و گفتار مطلوب و نمونه در خویش و در رفتار فردی و اجتماعی خویش پدید آورد (بوستانی، ۱۳۸۰). علامه طباطبائی در تفسیر آیه‌ی «لقد کان لكم فی رسول الله اسوة حسنة...» این روش را مورد تأکید قرار می‌دهد.

## مرکز تحقیقات کاپی‌تاپی و علوم زبانی

### نقد الگوی تربیت منش بر اساس آرای علامه طباطبائی

#### روش شناسی نقد

بین آرای علامه طباطبائی در تربیت اخلاقی و نظر لیکونا در الگوی تربیت منش خود تفاوت‌های وجود دارد که در نقد الگوی تربیت منش بر اساس آرای علامه طباطبائی باید بدان‌ها توجه کرد. علامه طباطبائی به عنوان فیلسوف و متفکر مسلمان بیشتر از جنبه فلسفی و در سطح کلی آرای خود را بیان کرده‌اند و در سطح نظام رسمی آموزش و بروزش به این موضوع نپرداخته است در حالی که لیکونا به عنوان پژوهشگر و مریبی، تربیت منش را بیشتر در ارتباط با نظام رسمی آموزشی مورد بحث قرار داده است. بنابراین اگر مطالب لیکونا، تعارضی با مبانی علامه طباطبائی ندارد می‌توان آن‌ها را مورد پذیرش علامه نیز قلمداد کرد، بنابر این در این نقد تأکید بر مبانی خواهد بود.

## نقد مبانی

### مبانی هستی شناسی

نگاه علامه طباطبائی به جهان هستی با نگاه لیکونا متفاوت است، علامه طباطبائی در جهت - گیری های اخلاقی به جهان آخرت توجه دارد و رسیدن به سعادت اخروی را از اهداف مهم تربیت اخلاقی می داند، در حالی که نوع نگاه لیکونا بیشتر متوجه کسب سعادت در حیات دنیوی است و نظرشان بیشتر جنبه سکولاردارد. بنابر این نوع نگاه لیکونا محدود و به حیات دنیوی متمرکز است.

### مبانی انسان شناسی

تفاوت اساسی در نوع نگاه به انسان و علامه طباطبائی بیشتر در زمینه‌ی فطری بودن ارزش‌های اخلاقی در انسان و داشتن زندگی ابدی است، اگرچه لیکونا منکر زندگی ابدی نیست ولی در الگوی خود سعادت ابدی انسان را مورد توجه قرار نداده است. در سایر جنبه‌ها در این زمینه بین آرای آن‌ها هماهنگی وجود دارد.

### مبانی ارزش‌شناسی

در دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبائی ارزش‌های اخلاقی جنبه‌ی دینی دارند و ارزش‌هایی هستند که خداوند برای رستگاری بشر در هر دو جهان آن‌ها را توصیه کرده است، در حالی که در نگاه لیکونا ارزش‌های اخلاقی جنبه‌ی دینی ندارند و ارزش‌هایی هستند که بر خواسته از نیاز فرد و جامعه می‌باشند.

از نظر نسبی یا مطلق بودن ارزش‌ها، در الگوی لیکونا چند ارزش اساسی و مهم مورد توجه است و این ارزش‌ها در بین همه‌ی افراد مهم و ارزشمند می‌باشند، بنابر این در تربیت منش به ارزش‌های ثابت اخلاقی قائلند، در تربیت اخلاقی از نظر علامه طباطبائی نیز، ارزش‌های اخلاقی مطلق وجود دارند که همواره ثابت هستند و از این جهت ارزش‌های اخلاقی هم در تربیت منش و هم در آرای علامه طباطبائی ثابت در نظر گرفته شده‌اند، بنابر این از این جنبه بین این دو هماهنگی وجود دارد. البته همان‌گونه که قبلاً ذکر شد درباره‌ی نسبیت و مطلق بودن ارزش‌ها اعتقاد بر مطلق بودن مفهومی و نسبیت مصداقی است. یعنی ارزش‌های ثابت در موقعیت‌های مختلف ممکن است مصداق‌های متفاوتی داشته باشند، مثلاً این طور نیست که عدل نزد برخی خوب و نزد برخی بد باشد، بلکه مصداق‌ها ممکن است متفاوت باشد مثلاً شلاق زدن به فرد زناکار در جامعه اسلامی عدل می‌باشد ولی در جوامع غیر اسلامی ظلم تلقی می‌گردد. از سوی دیگر در برخی موقعیت‌ها و شرایط نیز ممکن است بعضی ارزش‌ها دستخوش تغییر گردد.

## فطری بودن ارزش‌ها

از دیدگاه علامه طباطبائی ارزش‌های اخلاقی در انسان فطری هستند و انسان فطرتاً از شایسته یا نا شایسته بودن اعمالی که انجام می‌دهد آگاهی پیدا می‌کند. در رویکرد تربیت منش انسان از طرق شناخت و آگاهی می‌تواند از شایسته یا نا شایسته بودن اعمال آگاه گردد. بنابر این در تربیت منش امور اخلاقی فطری قلمداد نشده است و آگاه کردن افراد از ارزش‌ها بسیار مهم است. البته از دیدگاه علامه طباطبائی نیز فطری بودن ارزش‌ها به این معنی نیست که نیازی به آگاه کردن افراد از ارزش‌های اخلاقی نباشد، آگاه کردن افراد می‌تواند تأثیر مثبت در پاییزدی به ارزش‌ها داشته باشد.

## منشاً الهي (دينی) فضائل اخلاقی

از دیدگاه علامه طباطبائی اگر انسان خدا را بشناسد وجودش از بسیاری از رذائل اخلاقی پاک می‌گردد و ایمان در به وجود آمدن ملکات فاضله اخلاقی نقش مهم دارد. از دیدگاه علامه طباطبائی بین ایمان و اخلاق رابطه تنگاتنگ وجود دارد در حالی که در تربیت منش، نقشی برای ایمان قائل نیستند و در تربیت منش دین نقشی ندارد. همچنین علامه طباطبائی نقش ایمان به معاد را در تربیت اخلاقی مهم می‌داند، از نظر ایشان اهمیت ایمان به معاد در تهذیب اخلاق از دو جهت است یکی این که انسان را از بیروی هواهای نفسانی باز می‌دارد و او را وادرار می‌سازد که از لذائذ و بهره‌های طبیعی نفس صرف نظر کند، دیگر این که ایمان به معاد باعث می‌شود تا انسان نگاه واقع بینانه‌ای به هستی خود داشته باشد و همین نگاه واقع بینانه باعث می‌شود تا عواطف درونی و احساسات وی تعديل گردد (طباطبائی ۱۳۶۴: ۱۷۵ ج ۱۴) در حالی که همان گونه که ذکر شد دین و همین طور نقش معاد در تربیت منش مورد توجه قرار ندارد.

## مبانی معرفت شناسی

در مبانی معرفت شناسی علامه طباطبائی وحی یکی از منابع معرفت است و ارزش‌های اخلاقی که از طريق وحی به ما رسیده است، دارای اعتبار بوده و ارزشمند است، همین طور شهود از منابع معرفت از دیدگاه علامه طباطبائی است. در حالی که در الگوی تربیت منش لیکونا وحی و شهود جایگاهی ندارد.

## نقد اهداف

مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف در تربیت منش، کسب قابلیت‌های لازم برای زندگی بهتر در جامعه و ایفای نقش مؤثر به عنوان شهر وندی شایسته است، به گونه‌ای که فرد با دارا بودن ویژگی‌های خاصی بتواند زندگی راحتی داشته و با دیگران زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشد. بنابر این انگیزه‌ی فرد از انجام

امور اخلاقی رضایت خداوند یا کسب پاداش اخروی نیست بلکه زندگی راحت، انگیزه‌ی اصلی را تشکیل می‌دهد.

ارزش‌هایی که در تربیت منش بر روی آن‌ها تأکید شده است، از قبیل غم‌خواری، صداقت و راستی، احترام کردن، مهربانی، زیبایی دوستی، احساس مسئولیت، شجاعت و دلیری ارزش‌های هستند که در اسلام نیز مورد توجه می‌باشند ولی ارزش‌ها فقط به این‌ها منحصر نیست، بلکه علاوه بر این‌ها ارزش‌های دیگری از قبیل تقوا، ایثار، اخلاص و... نیز مورد توجه می‌باشند که در تربیت منش به آن‌ها عنایت نشده است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارزش‌ها در تربیت منش، احترام و مسئولیت است که لیکونا این‌ها را در مرکز الگوی خود جای داده است، در حالی که از دیدگاه علامه طباطبائی اساسی‌ترین ارزش که محور کلیه ارزش‌ها می‌باشد عبودیت خداوند است.

اهداف اساسی در تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی همان گونه که قبلًا ذکر شد شامل عبودیت خداوند، تقوا، حیات طیبه و سعادت است. همان گونه که ملاحظه می‌شود از دیدگاه علامه طباطبائی بیشتر سعادت اخروی در تربیت اخلاقی مورد توجه است که البته سعادت اخروی، سعادت دنیوی را نیز به همراه دارد و این دو با هم منافع ندارند.

همچنین در تربیت منش هدف این است که در افراد ارزش‌های اخلاقی زیر تقویت گردد :

غم‌خواری؛ صداقت و راستی؛ مهربانی؛ شجاعت و دلیری؛ زیبایی دوستی؛ احساس مسئولیت و احترام کردن. این ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه اسلام و علامه طباطبائی نیز مورد تأکید هستند ولی ارزش‌های اخلاقی منحصر به این‌ها نیستند

و ارزش‌های دیگری از قبیل ارزش‌های زیر نیز مورد توجه می‌باشند :

ایثار و فداکاری، جهاد، تواضع و فروتنی، اخلاص، صبر و بردازی، امانت داری، وفای به عهد، مبارزه با ظلم، عفت و حیا، رازداری، عدالت خواهی، ساده زیستی، صرفه جویی و پاکیزگی.

### نقد اصول

اصل اول در تربیت منش اصل ترویج ارزش‌های اساسی است، طبق این اصل چند ارزش اساسی و مهم (غم‌خواری؛ صداقت و راستی؛ مهربانی؛ شجاعت و دلیری؛ زیبایی دوستی؛ احساس مسئولیت و احترام کردن) باید در کلیه بروگاه‌ها و فعالیت‌های مدرسه مورد توجه قرار گیرد. همان گونه که در نقد هدف‌ها نیز ذکر شد، با توجه به دیدگاه علامه طباطبائی، ارزش‌های اساسی منحصر به این ارزش نیست بلکه سایر ارزش‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

اصل دوم در الگوی تربیت منش بر جنبه‌های مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری در تربیت منش

تائید دارد و نکته‌ی مهمی است که لیکونا مورد توجه قرار داده است.

درباره‌ی جنبه‌های مختلف در تربیت اخلاقی نیز علامه طباطبائی به ابعاد ایمان و عمل و نقش آن‌ها در تربیت اخلاقی تأکید کرده است که اشاره به ابعاد شناختی و عملی و در اصل تعالی عاطفی اهمیت بعد عاطفی را در تربیت اخلاقی مورد تأکید قرار داده است.

اصل سوم در الگوی لیکونا شامل استفاده از همه ظرفیت‌ها و امکانات و انواع برنامه‌ها از قبیل برنامه‌ی درسی پنهان مانند آداب و رسوم نحوه‌ی رفتار معلمان و روابط معلمان و مدیران و کارکنان مدرسه و نحوه‌ی برخورد با تفاوت‌های فردی و نحوه‌ی ارزیابی آموخته‌ها و سیاست‌های انصباطی و برنامه‌ی درسی آکادمیک شامل موضوعات اساسی و فعالیت‌های فوق برنامه از قبیل تیم‌های ورزشی و کلوب‌ها و طرح‌های خدماتی می‌باشد در این موارد اظهار نظری از علامه طباطبائی وجود ندارد، چنین می‌توان استنباط کرد. این اصل منافاتی با آرای علامه طباطبائی ندارد.

اصل چهارم در الگوی لیکونا ایجاد محیط صمیمی در مدرسه است، طبق این اصل افراد باید به همدیگر احترام گذاشته و نسبت به هم مهر بورزند، غم خواری در تربیت اخلاقی مورد تأکید علامه طباطبائی بوده و در عمل شاگردانش همواره مورد مهرو محبت وی بوده‌اند.

اصل پنجم در الگوی لیکونا، ایجاد فرصت برای عمل اخلاقی در دانشآموزان است، طبق این اصل، برای تربیت منش باید فرصت‌هایی را برای دانشآموزان ایجاد کرد تا ارزش‌های اخلاقی را در عمل و در زندگی روزانه و در فعالیت‌های مختلف به کار ببرند. علامه طباطبائی نیز بر نقش عمل در تربیت اخلاقی تأکید دارد و بکی از روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی را روش عملی می‌داند.

اصل ششم در الگوی تربیت منش لیکونا، شامل کمک به فرآگیران در کسب موفقیت است و کسب موفقیت در برنامه‌های مختلف می‌تواند موجب گردد تا بیشتر احساس شایستگی و استقلال کرده و آمادگی بیشتری برای پذیرش اصول اخلاقی داشته باشند. در این باره نظر مکتوب از علامه وجود ندارد ولی در سیره عملی علامه مورد توجه بوده است آن گونه که شاگردانش نقل می‌کنند همواره کمک به شاگردان در کسب موفقیت سرلوحه‌ی رفتار ایشان بوده است (صبحان یزدی، ۱۳۶۲).

اصل هفتم در الگوی تربیت منش، اصل ایجاد انگیزه‌ی درونی برای انجام امور اخلاقی در دانشآموزان است که طبق نظر لیکونا باید این انگیزه در دانشآموزان پرورش یابد که بدون ترس از قانون یا بدون انتظار تشویق یا پاداش به انجام کارهای خوب مبادرت ورزند و کارهای خوب را از آن جهت که خوبیند انجام دهند یا اعتقاد درونی پیدا کنند که احترام به دیگران خوب است و با رضایت درونی به دیگران احترام کنند.

طبق نظر لیکونا این انگیزه‌ی درونی را می‌توان در مدارس با آگاه کردن دانشآموزان از قوانین و نقش و تأثیر آن‌ها بر دیگران ایجاد کرد. طبق دیدگاه علامه طباطبائی نیز آگاه کردن افراد از تأثیر مثبت انجام کارهای اخلاقی در ایجاد انگیزه‌ی درونی مؤثر است و به ویژه با توجه به فطری بودن آگاهی از ارزش‌های اخلاقی (طبق نظر علامه طباطبائی) آگاه کردن بیشتر دانشآموزان از ارزش‌های اخلاقی برای ایجاد انگیزه‌ی درونی می‌تواند مؤثر واقع گردد.

طبق اصل نتیجه گرایی که یکی از اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی است: برای دعوت انسان‌ها به انجام فعل اخلاقی نیازمند توجیه آن‌ها هستیم بدون این توجیه دعوت مبنای درستی نخواهد داشت؛ در جریان تربیت اخلاقی در صورتی که به نحوی بتوان بین اعتباریات اخلاقی و نتیجه‌هایش یعنی تأثیری که در سعادت و کمال فردی و اجتماعی دارد، ارتباط برقرار نمود، بهتر می‌توان افراد را به عمل اخلاقی دعوت کرد.

با این حال از نظر علامه طباطبائی، قوی‌ترین انگیزه‌ی درونی در افراد برای انجام کارهای اخلاقی، انجام کارها به منظور کسب رضایت خداوند می‌باشد و مهم‌ترین عامل در ایجاد انگیزه‌ی درونی این است که این عقیده در افراد به وجود آید که کارهارا به منظور کسب رضای خداوند انجام دهنند.

اصل هشتم در الگوی لیکونا بر نقش و مسئولیت همه‌ی افراد در مدرسه در تربیت منش تأکید دارد طبق این اصل کلیه کارکنان مدرسه شامل مدیر، معلمان، مشاوران، روان‌شناسان آموزشگاهی، دفتر داران و مریبان ورزش و ... در تربیت منش نقش دارند و همه‌ی آنان باید در این زمینه همکاری نمایند.

علامه طباطبائی نیز در اصل ایجاد جو اخلاقی بر نقش و تأثیر عوامل مختلف به ویژه معلم در تربیت اخلاقی تأکید دارد.

اصل نهم در الگوی تربیت منش لیکونا، نقش مهم مدیر و رهبر آموزشی در تربیت منش است مدارس برای تربیت منش مؤثر نیاز به مدیران و رهبران آموزشی کارآمد دارند که این رهبران آموزشی می‌توانند فعالیت‌های گوناگون توسط کارکنان مدرسه را جهت دهنده و هماهنگ نمایند. اگر چه به طور مستقیم علامه طباطبائی در این باره اظهار نظر نکرده است، ولی می‌توان استنباط کرد که همسویی با اصل ایجاد جو اخلاقی علامه طباطبائی دارد.

اصل دهم در الگوی تربیت منش لیکونا، بر نقش و مشارکت والدین و اعضای جامعه در برنامه‌های تربیت منش تأکید دارد که این اصل نیز با اصل ایجاد جو اخلاقی علامه طباطبائی هماهنگی دارد. اصل بازدهم در الگوی تربیت منش لیکونا تأکید بر ارزش‌بایی جامع از برنامه‌های تربیت منش

دارد. لیکونا ارزش‌یابی در سه قلمرو را مطرح می‌کند که شامل محیط مدرسه، فعالیت‌ها و برنامه‌های کارکنان مدرسه و رفたرهای دانش‌آموزان در زمینه‌های شناختی، عاطفی و عملی است. علامه نیز اگرچه در این باره به صراحت اظهار نظر نکرده است ولی این اصل منافاتی با آرای ایشان ندارد.

توجه به عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی، از اصول مورد تأکید علامه طباطبائی است که نقش

### نقد روش‌ها

لیکونا در الگوی خود روش‌های آموزشی زیر را در تربیت منش توصیه کرده است:

روش شرح و بیان یا توضیحی، روش سخنرانی، روش داستان سرایی، روش بحث کلاسی، روش یادگیری مشارکتی، روش پرسش و پاسخی، روش حل مسئله، روش ایفای نقش و روش عملی. علامه طباطبائی نیز چهار روش زیر را در تربیت اخلاقی مورد تأکید قرار داده است: روش استدلال، روش تکرار، روش عملی و روش اسوه. همان گونه که ملاحظه می‌شود روش عملی، روشنی است که هر دو بدان اشاره کرده‌اند، سایر روش‌ها می‌توانند مکمل هم بوده و در تربیت اخلاقی مورد استفاده قرار گیرند و با توجه نوع موضوع و شرایط می‌توان از روش‌های مختلف استفاده کرد. بنابراین در نقد روش‌ها می‌توان گفت کلیه روش‌های مطرح شده از سوی لیکونا و علامه طباطبائی می‌توانند در تربیت اخلاقی مورد استفاده قرار گیرند.

### جمع‌بندی و پیشنهاد‌ها

تربیت اخلاقی و رویکردهای مختلف آن از جمله رویکرد تربیت منش از موضوعات مهمی است که مورد توجه پژوهشگران قرار دارد، این موضوع با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی در عصر ما، بیش از گذشته مورد توجه است.

یکی از پژوهشگران این عرصه توماس لیکونا است که الگویی در تربیت منش ارائه کرده که الگوی ایشان در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفت. این الگو بر اساس دیدگاه علامه طباطبائی که در عصر حاضر از صاحبنظران تربیت اخلاقی به شمار می‌رود صورت گرفته است.

نقاط قوت الگوی لیکونا بیشتر از این جهت است که در تربیت منش هم ابعاد شناختی، هم عاطفی و هم رفتاری را مورد توجه قرار داده و با جزئیات کامل الگوی خود را ارائه کرده است.

انتقاد اساسی که بر الگوی تربیت منش بر اساس آرای علامه طباطبائی وارد است این است که الگوی ارائه شده توسط لیکونا جنبه‌ی سکولار دارد و جایگاه وحی و دین در آن مشاهده نمی‌گردد. از نظر لیکونا کسب سعادت در حیات دنیوی بیشتر مورد توجه است و اهداف دینی در آن در نظر گرفته

نشده است و انگیزه‌ی انجام اعمال اخلاقی کسب رضای خداوند نیست.

با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله پیشنهادات زیر قابل ذکر است :

– نکات مثبت الگوی تربیت منش لیکونا دانشآموزان از جمله در زمینه‌ی راهبردها و

روش‌ها، در تربیت اخلاقی مورد توجه قرار گیرد و با استفاده از دیدگاه علامه الگوی جامعی ارائه گردد.

– مطالعات بیشتری درباره‌ی ابعاد و جنبه‌های مختلف تربیت منش و تربیت اخلاقی صورت

گیرد.

– علاوه بر لیکونا آرای صاحبنظران دیگر در این زمینه نیز مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

– تربیت منش در نظام رسمی آموزشی مورد پژوهش قرار گیرد.

## منابع

امید، مسعود (۱۳۸۰) نظری به زندگی و برخی آرای علامه طباطبائی، انتشارات سروش.

ایمانی، محسن (۱۳۷۶) تبیین معیارهای برنامه‌ی درسی بر اساس دیدگاه معرفت‌شناسی و

ارزش‌شناسی رئالیستی علامه طباطبائی و بروdi، رساله‌ی دکترا، دانشگاه تربیت مدرس.

باقری خسرو (۱۳۷۶) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. انتشارات مدرسه.

بوستان، اصغر (۱۳۸۰) تبیین دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبائی(ره) و دلالت‌های آن برای

تربیت اخلاقی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

حسنی، محمد (۱۳۸۲) بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبائی و دلالت‌های آن در تربیت

اخلاقی. رساله دکترا دانشگاه تهران.

صادق زاده قمصری، علیرضا (۱۳۸۶) فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران،

(گزارش منتشر نشده).

صفوی، امان الله (۱۳۸۲) روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس، انتشارات سمت.

شعبانی، حسن (۱۳۸۲) مهارت‌های آموزشی روش‌ها و فنون تدریس، انتشارات سمت.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۴) تفسیر المیزان، چهل جلد، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی،

ناشر : محمدی.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۵۳) قرآن در اسلام، تهران دارالکتب اسلامیه.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۲) اصول فلسفه و روش رئالیسم، انتشارات صدرا.

مدرسی، محمد رضا (۱۳۷۰) فلسفه اخلاق، انتشارات سروش.

مصطفی‌بزدی، محمد تقی (۱۳۶۲) یادنامه علامه طباطبائی، انتشارات باقرالعلوم.

نقی عشرت آباد، اصغر (۱۳۷۲) تعلیم و تربیت از نظر علامه طباطبائی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

-Slavinr.E.(1990)cooprative learning:theory,researchandpractice·prentice - hall.

- Pilcher, Cynthia, ford (2003) A study of the implementation of character education, learning environment and school performance scores in selected parishes in Louisiana, Louisiana tech university.

- Lickona, Thomas (1993) the return of character education, educational leadership,vol 51,n3.

- Lickona, Thomas (1991). Educating for character: How our schools can teach respect and responsibility. New York: Bantam.

-Lickona, Thomas (1996) Eleven principles of effective character education., Journal of Moral Education, Vol. 25, Issue 1.

- Lickona, Thomas (1998) A more complex analysis is needed, Phi Delta Kappan, 79.

- Ryan K., & Bohlin, K.(1999). Building character in schools: practical ways to bring moral instruction to life. San Francisco: Jossey-Bass.